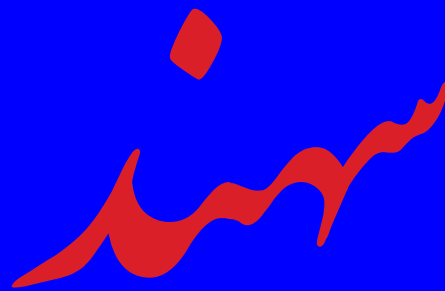


نشریه کمیته آذربایجان
حزب کمونیست کارگری ایران
سردبیر: فراز آزادی



دوره دوم شماره 14، بهمن 1397، ژانویه 2019



در این شماره

درسهای نیشکر هفت تپه- محسن ابراهیمی
سیاست خصوصی سازی ها و تبعات آن در زندگی مردم- فراز آزادی
برخی از پیامهای دریافتی از مردم در رابطه با خصوصی سازی کشت و صنعت مغان
یک نامه سرگشاده حکومتی را آچمز کرد- محسن ابراهیمی
نامه اسماعیل بخشی درباره شکنجه و آزارهای دوره بازداشت
خودکشی یک دانش آموز دختر در مقطع ابتدائی- فراز آزادی
پدیده خودکشی در ایران امروز- شهلا خباززاده
تلاشهای بی فایده، حکومت سوخته- شهلا خباززاده
نماینده مجلس: تجاوز کردم، خوب کردم، دلم خواست- مینا احدی
بگذار سخن بگویم! از عمیق ترین دردها برجسم و روحم- مینا احدی
اطلاعیه شماره 7 کمپین بگذار سخن بگویم!
نامه سرگشاده به آلیس شوارتزر در مورد مرگ زهرا نویدپور- مینا احدی
اخباری از اعتراضات و اتفاقات کارگری در شهرهای آذربایجان در دیماه ۱۳۹۷- شهلا خباززاده
چند اطلاعیه از کمیته آذربایجان

آزادی، برابری، حکومت کارگری

مثل کشت و صنعت هفت تپه، کشت و صنعت مغان هم یک مجموعه عظیم صنعتی است که شامل 63000 هکتار زمین، باغات میوه، دامپروری و هزاران راس دام، کارخانه قند و غیره است که زندگی تعداد زیادی کارگر و خانواده شان در پارس آباد و منطقه مغان مستقیماً به وضعیت این مجموعه وابسته است. علاوه بر این، زندگی اقتصادی کسبه شهر و بازار و اقشار دیگر مردم شهر و منطقه متاثر از وضعیت این شرکت است.

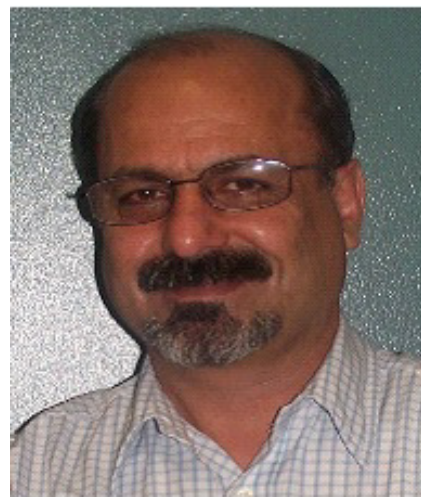
در همین دوره ای که دولت مالک این شرکت بوده است، بیشترین تعداد از 15000 کارگر این شرکت به صف میلونها بیکار پیوسته اند و شبخ فقر مطلق و بیخانمانی کامل زندگی اکثریتشان را تهدید میکند. قرار است با خصوصی سازی بقیه ماموریت به فقر و فلاکت کشاندن کارگران به نفع آفازاده ها تکمیل شود.

مدتهاست که سازمان خصوصی سازی میخواهد کشت و صنعت مغان را به عنوان یک شرکت زیان ده در یک عملیات مافیایی - همانطور که در کشت و صنعت هفت تپه و سایر خصوصی سازیها عملی کرده است - به آفازاده ها واگذار کند. اما به دلایل زیادی از جمله ترس از خطرات امنیتی

شباهتهای زیادی بین این دو واحد تولیدی وجود دارد. نظر شما در این مورد چیست؟

محسن ابراهیمی: حکومت اسلامی همان بلایی را میخواهد سر کشت و صنعت مغان بیاورد که قبلاً بر سر کشت و صنعت هفت تپه آورده است. به این اعتبار اعتراضات کشت و صنعت هفت تپه حتماً درسهای زیادی برای کارگران کشت و صنعت مغان دارد.

مثل کشت و صنعت هفت تپه، اینجا هم میخواهند به نام خصوصی سازی "خصوصی سازی" بکنند و محصول کار و خلاقیت و تلاش هزاران کارگر کشت و صنعت مغان را به آفازاده ای واگذار کنند تا به عنوان مالک جدید و تحت حمایت نیروهای امنیتی و انتظامی فقر و فلاکت بیشتری را بر کارگران تحمیل کند؛ تا زمینها و باغات و کارخانجات و وسائل تولید و امکانات و ثروت عظیم این مجموعه را - مثل امکانات نیشکر هفت تپه - بالا بکشد و به منبع پول و ثروت شخصی تبدیل کند؛ تا به عنوان "کار آفرین خصوصی" محصول کار و تلاش سالیان دراز هزاران کارگر منطقه را به منبعی برای انباشت ثروت شخصی تبدیل کند.



درسهای نیشکر هفت تپه برای کارگران کشت و صنعت مغان!

گفتگو با محسن ابراهیمی دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

خلیل کیوان: کارگران مجتمع کشت و صنعت مغان از سوم دیماه علیه خصوصی سازی این واحد تولیدی دست به اعتراض زده اند. در هفت تپه هم شاهد بودیم که کارگران نیشکر اعتراض گسترده ای علیه خصوصی سازی داشتند و کماکان بر این خواست خود پافشاری می کنند. به نظر میرسد

خوانندگان عزیز نشریه سهند

سیاسی در ایران با سرعت تغییر یافت و توازن قوای سیاسی متفاوتی بدست آمد. در دل این شرایط امید که ما نیز بتوانیم با نوشته ها و مطالب باارزش، افق سیاسی جنبش کارگری و چپ و سوسیالیستی را در آذربایجان نمایندگی کنیم. در این راه نیاز به همراهی شما خوانندگان عزیز است که با ارائه نقطه نظرات انتقادی خود ما را یاری نمایید.

فراز آزادی - سردبیر

خوشحالیم که دوباره بعد از وقفه چند ماهه انتشار نشریه را باطلاع شما برسانیم. با شروع قیامهای شهری در دیماه 96 که بیش از 100 شهر را شامل میشد، جنبش سرنگونی طلبانه مردم پیشرویهای مهمی را شاهد بود و در ادامه ان تا کنون، جنبش کارگری، پیشرویهای چشمگیری را بدست آورد. اوضاع و احوال

درسهای نیشکر هفت تپه برای کارگران کشت و صنعت مغان!

که میتوانست بدنبال داشته باشد تا کنون نتوانسته بود این هدف را عملی کند.

سازمان خصوصی سازی در سال 95، نرخ معادل 2700 میلیارد تومان برای فروش کشت و صنعت مغان تعیین کرده بود. در مرداد همین امسال یکباره کارگران و مردم منطقه خبردار شدند که شرکت "توسعه بازار سرمایه تهران"، زیر مجموعه فروشگاههای زنجیره ای رفاه "برنده مزایده" شده است و قرار است به قیمت 1700 میلیارد تومان (یک میلیارد تومان کمتر از قیمت دو سال پیش) این شرکت، واگذار شود. قیمت به حراج گذاشتن این ثروت در میان مردم به جوک تبدیل شده بود و میگفتند حتی اگر همه امکانات و کارخانه های و وسایل شرکت کنار گذاشته شود و فقط زمین شرکت در نظر گرفته شود، هر متر مربع زمین به قیمت 2800 تومان یعنی به قیمت کمتر از دو بسته پفک نمکی حراج شده است!

آش آنقدر شور بود که حتی خود نهادها و مقامهای حکومتی با دیدن ناراضیتهای فوری مردم نگران عواقب امنیتی شدند و با مشاهده سطح بالای ناراضیتهای کارگران و مردم به جان هم افتادند و "اهلیت" "برنده" زیر سؤال رفت و بالاخره جرئت نکردند معامله را به سرانجام برسانند و عقب نشستند. البته علاوه بر ترس از خطرات امنیتی

(یعنی اعتراضات کارگران و مردم)، منافع باندهای درون حکومتی هم در سر نگرفتن معامله تاثیر داشت.

شش ماه بعد از این ماجرا با این تصور که آن خطر رفع شده است، همین هفته مجددا اعلام شد که دوباره شرکت به "مزایده" گذاشته شده است و این بار سرمایه داری به نام یونس ژائله "برنده" شده است.

یونس ژائله کیست؟ او یک میلیاردی صاحب کارخانه بزرگ شیرین عسل است و در حال حاضر 15000 کارگر را استثمار میکند. ایشان در همین کارخانه پرونده سرکوب کارگران با توسل به یگانهای ضدشورش در سال 95 را دارد. کارگرانی که به دستمزدهای پایین و شرایط سخت کار اعتراض داشتند. قرار است ایشان با همان قیمت 1700 میلیارد تومان (یعنی 1000 میلیارد تومان کمتر از قیمت سال 95) صاحب ثروت و کار و زندگی هزاران کارگر کشت و صنعت مغان شود و این قیمت را در اقساط شش ماهه در طول نه سال پرداخت کند و برای قسط اول هم دو سال وقت داده اند که مبادا فشار مالی به این میلیاردی تحمیل شود!

خلیل کیوان: این اتفاق چه تاثیری بر زندگی کارگران و مردم منطقه دارد؟ واکنش کارگران و مردم منطقه به این خصوصی سازی تاکنون چه بوده است؟

محسن ابراهیمی: همچنانکه گفتم در سالهای گذشته تعداد زیادی در این مجموعه مشغول کار بودند که

به خاطر اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی اکثریتشان به خیابانها پرتاب شده اند و در شرایط بسیار وخیمی زندگی میکنند. واگذاری اخیر زندگی بقیه را هم، که همین الان مشغولند، مستقیماً در خطر قرار داده است. سرنوشت این کارگران به دست یک میلیاردی سپرده شده است که معلوم نیست برای پارو کردن سود چه خوابی در سر دارد. میخواهد تحت نام "تعدیل نیروی کار" و سودآور کردن شرکت تعداد بیشتری را بیکار کند؟ میخواهد برای سود بیشتر شرایط سختتر و دستمزد کمتر و فشار کار بیشتری بر کارگان تحمیل کند؟ میخواهد مثل اغلب خصولتی سازیها به نام شرکت پولهای نجومی از منابع بانکی بالا بکشد و نهایتاً زمین و امکانات شرکت را به حراج بگذارد؟ و همه اینها مستقیماً شرایط اقتصادی و معیشت کارگران و خانواده هایشان را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

در چند جمله باید تاکید کرد که خصوصی سازیها در صدها شرکت دیگر در سالهای گذشته وضعیت را برای کارگران وخیم تر کرده و البته با اعتراض وسیع کارگران در مراکز مختلف از جمله معدن بافق، فولاد اهواز و نیشکر هفته تپه مواجه شده است. ماجرای کشت و صنعت مغان هم دقیقاً در همین جهت است و دیدیم که

درسهای نیشکر هفت تپه برای کارگران کشت و صنعت مغان!

چگونه بلافاصله بعد از اعلام معامله بر سر کشت و صنعت مغان میان مافیاهای اسلامی، نارضایتی کارگران و مردم منطقه هم در رسانه های اجتماعی و هم در خیابان آغاز شد و حتما گسترش خواهد یافت.

وقتی به رسانه های اجتماعی و حرف مردم منطقه نگاه میکنید این سئوالات مردم فوراً نظرتان را جلب میکند: مزایده کی انجام شد؟ کجا اعلام شد؟ چه کسانی شرکت کردند؟ اگر "برنده" قبلی "اهلیت" نداشت، از کجا معلوم این "برنده" اهلیت دارد؟ چرا شرکت به خود کارگران واگذار نمیشود که در واقع همه امکانات این شرکت محصول کار و زحمت خودشان است؟ چرا مقامات حکومتی که به شرایط واگذاری مرداد ماه اعتراض داشتند یک دفعه 180 درجه چرخیدند و در باره واگذاری امروز با همان شرایط خوشحال هستند؟ (اشاره شان به مواضع امام جمعه و دادستان اردبیل و سایر مقامات استانی و امنیتی در باره واگذاری قبلی است). چه معاملاتی پشت پرده هست؟ چرا شفاف سازی نمیشود؟

نارضایتی و اعتراض فراتر از رسانه های اجتماعی خیلی

سریع میدانی شد. سوم و چهارم دیماه بیش از 500 نفر از کارگران و مردم معترض شهر در شهرک مغان در مقابل مهمانسرای ویژه مدیران شرکت و بعداً در مقابل ساختمان مرکزی شرکت تجمع اعتراضی را شروع کردند. البته این اولین بار نیست که کارگران این مجموعه اعتصاب و اعتراض میکنند. قبلاً هم در سالهای 95 و 96 به خاطر حقوقهای معوقه و مساله خصوصی سازی اعتراض داشتند. جالب است که همین سطح اعتراض هم باندهای حکومتی را آنقدر نگران کرده است که دارند در باره خطرات جدی امنیتی به هم هشدار میدهند.

خلیل کیوان: اوضاع سیاسی کشور به گونه ای است که هر حرکت اعتراضی کارگران فوراً سیاسی میشود و پای مقامات حکومت را به میان میکشد. مواردی مثل هفت تپه و فولاد اهواز از متاخرترین آنها هستند. برخورد مدیریت، مقامات حکومتی و نیروهای سرکوب در رابطه با خصوصی سازی کشت و صنعت مغان و نارضایتی و اعتراض کارگران چه بوده است؟ آیا همه آنها در مقابل کارگران قرار گرفته اند یا شکافی در بین آنها وجود دارد؟

محسن ابراهیمی: دو دسته اختلاف میان مقامات حکومت فوراً بروز پیدا کرد.

یک دسته اختلافات مربوط به این است که از این خوان یغما چه کسی و چه باندی چه سهمی برده است یا برعکس چه باندی دستش کوتاه مانده است. این اختلاف و شکاف جلوه ای از باند بازیهای معمول در میان حکومتیان بر سر چپاول ثروت جامعه تحت عنوان خصوصی سازی است که در اغلب خصوصی سازیها وجود دارند.

همین الان استاندار و فرماندار و دادستان و نماینده ولی فقیه و امام جمعه و رئیس سازمان خصوصی سازی و وکیل مجلس و کمیسیون اصل نود و غیره به جان هم افتاده اند و پرونده های همدیگر را رو میکنند که مثلاً چرا در واگذاری مرداد ماه با همان قیمت 1700 میلیارد تومانی مخالفت میکردند و "اهلیت" خریدار زیر سؤال میبردند ولی امروز 180 درجه تغییر موضع داده اند و با همان قیمت پشت سرمایه دار شیرین عسل رفته اند؟ چرا دادستان اردبیل "اهلیت" خریدار قبلی را زیر سؤال برد و مانع فروش به فروشگاههای زنجیره ای رفاه شد ولی مدافع "اهلیت" صاحب کارخانه شیرین عسل شد؟

بخشی از این مقامات مثل اکبر اعلمی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی سابقه مالک جدید را زیر سؤال برده است که "بخش قابل توجهی از ثروت نجومی اش از محل رانت و ویژه خواری و زد و بند با برخی مسئولان و نمایندگان سابق مجلس به دست آمده و در

درسهای نیشکر هفت تپه برای کارگران کشت و صنعت مغان!

کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هم دارای پرونده می‌باشد." هر روز و هر ساعت که میگذرد پرونده های جدیدی از همدیگر رو میکنند که نشان میدهد این بار هم دست چپاولگر باندهای درون حکومتی در کار است که تحت نام خصوصی سازی سهم تقسیم میکنند.

دسته دیگر اختلافات مربوط به نگرانیهای امنیتی از اعتراضات است.

هر بار مساله خصوصی سازی کشت و صنعت مغان پیش میاید اولین مشکلی که ذهن همه مقامات حکومتی را مشغول میکند عواقب امنیتی این چنین اقدامی است. هم در واگذاری مرداد ماه و هم این بار همه مقامات، مخصوصا آنهایی که در این معامله دست را به رقبای دیگر باخته اند منطما از این صحبت میکنند که در این واگذاری آثار و عواقب امنیتی در نظر گرفته نشده است.

منظور از عواقب امنیتی دقیقا همان اتفاقاتی است که در کشت و صنعت هفت تپه رخ داد. واقعیت این است که سران حکومت هنوز در کابوس اعتراضات وسیع کارگران هفت تپه در شوش و فولاد اهواز بسر میبرند. خوب میدانند که به خاطر شباهتهای بسیار زیاد میان دو کشت و صنعت امکان تبدیل شدن پارس آباد به یک شوش دیگر بسیار بالاست و

کارگران کشت و صنعت مغان میتوانند از تجربه گرانبهای کارگران کشت و صنعت هفت تپه بیاموزند.

خلیل کیوان: کشت و صنعت مغان یکی از مراکز صنعتی و کارگری است که قدمت آن به قریب 50 سال می رسد. اما الان رسانه ها اعتراضات کارگران این مجتمع را به عشایر منطقه منتسب میکنند. هدف آنها از این نوع تبلیغات چیست؟

محسن ابراهیمی: بله، در رسانه های مختلف منطما از تجمع و اعتراض "عشایر" صحبت میکنند. از عشایر غیور شاهسون صحبت میکنند که قرنها در برابر بیگانگان ایستاده اند و خونها داده اند! نماینده ولی فقیه در استان بارها در خطبه های نماز جمعه حتی از اسناد مالکیت عشایر صحبت کرد و در مورد قضاوت و عدالت اسلامی وراجی کرد که باید "مشکل معارضین حل گردد و هرکس سندی دارد اولی به زمین است ولو سند قدیمی باشد و اگر غیراز این باشد،

واگذاری شرعا درست نیست."! بر طبق قضاوت این آخوند شارلاتان، کارگران باید سند و قباله از نیم قرن پیش رو کنند تا مثلا معلوم شود حقوقی در کشت و صنعت مغان دارند و در غیر اینصورت میشود محصول کار و

زندگیشان را چوب حراج زد! اما واقعیت چیست و این تصویر سازی در خدمت چیست؟

بخش مهمی از آن 63000 هکتار زمین که امروز فعالیتهای کشت و صنعت مغان در آن انجام میگیرد، 50 سال پیش زمینهایی بودند که کشاورزان و دامداران و عشایر منطقه به عنوان قشلاق و محل چرای دامهایشان و تامین معیشتشان استفاده میکردند. این اراضی بدست دولت و بزور سرنیزه ژاندامری آن زمان از این بخش جامعه گرفته شد و به اراضی دولتی و بعدا محل راه انداختن کشت و صنعت مغان تبدیل شد.

اما از آن زمان 50 سال گذشته است و این مردمی که امام جمعه هنوز دوست دارد عشایر



سلطنتی و با استقرار سرمایه داری از مراتع و زمینها و منابع کار و معیشتشان محروم شدند. بار دیگر در اثر سیاستهای ضد کارگری حکومت اسلامی و اقتصاد ورشکسته اش از همین منبع جدید کار و معیشتشان محروم شدند و به خیل بیکاران پیوستند، و بالاخره امروز برای بار سوم با خصوصی سازی (اسم رمز انتقال ثروت و منابع از دولت به آقازاده ها یا به قول مشهور خصولتی سازی) وضع زندگیشان حتی بدتر از گذشته خواهد شد. و به این اعتبار اینها کارگرانی هستند که سالها در مناسبات سرمایه داری منبع ارزش افزایی کارفرمایان کشت و صنعت بوده اند و به این اعتبار تمام امکانات و منابع کشت و صنعت به آنها تعلق دارند چه بتوانند قباله ای رو کنند یا نه.

اما چرا حکومتیان تلاش میکنند عشیره عشیره کنند و این زحمتشکان را به نام واقعیشان که کارگران هستند مورد خطاب قرار نمیدهند؟ به یک دلیل روشن. میخواهند پرده ابهام روی خصلت و مضمون کارگری این اعتراض بکشند. میخواهند دقیقاً شباهتهای میان اعتراض در کشت و صنعت مغان و اعتراض در کشت و صنعت هفت تپه و سایر اعتراضات کارگری را مخدوش کنند که برای حکومت بسیار خطرناک است.

ضمناً، معمولاً وقتی از عشایر صحبت میشود، فوراً روسای قبایل و عشایر و مناسبات عشیره ای قدیمی تداعی میشود که در تاریخ سیاسی معمولاً نقش ارتجاعی داشته اند و به این ترتیب شاید حقه بازان حکومتی میخواهند با عشیره عشیره گفتنها حمایت و همبستگی جامعه را تضعیف کنند.

جالب است که شباهت قابل توجهی میان توطئه مقامات حکومتی و امنیتی در جریان اعتصابات فولاد در اهواز و هفت تپه در شوش و امروز در پارس آباد قابل مشاهده است. در اهواز و شوش هم خیلی تلاش کردند دست به انبان مناسبات عشیرتی منسوخ شده ببرند و مثلاً میان کارگران فولاد اهواز و همچنین نیشکر هفت تپه با توسل به هویتهای قلابی عشیره ای لر و بختیاری و عرب و غیره اختلاف بیاندازند، مبارزه متحد طبقاتی کارگران را مخدوش کنند و به آن لطمه بزنند که با هشیاری رهبران آگاهی مثل اسماعیل بخشی و کارگران آگاه توطئه هایشان خنثی و بی اثر شد.

کارگران آگاه کشت و صنعت مغان و مردم آگاه پارس آباد و منطقه مغان هم این توطئه ها را میتوانند و باید خنثی کنند. کارگران کشت و صنعت مغان هم برای پیش بردن یک مبارزه

خطاب کند بخش بزرگی از آنها مدتهاست کارگر شده اند و تعداد زیادشان کارگر خود همین کشت و صنعت بوده اند که الان بیکار و بیخانمان هستند و در صف لشکر بیکاران منطقه در شرایط بسیار اسفناکی بسر میبرند، و البته تعداد زیادی هم هنوز کارگر همین شرکت هستند.

اینجا ما با کشمکش یک قشر متعلق به نظام عقب مانده و پیشاسرمایه داری با نظام پیشرفته تر سرمایه داری در معنای کلاسیک آن مواجه نیستیم. مساله بر سر اختلاف و کشمکش میان عشایر و روسای عشایر و قبایل در مقابل نمایندگان سرمایه داری نیست. در خود منطقه مغان مثل خیلی مناطق ایران خیلی وقت است که مناسبات عوض شده است و دیگر مناسبات عشیره ای و قبیله ای وجود ندارد. برعکس مناسبات سرمایه داری با حضور دو طبقه سرمایه دار و کارگر و کشمکش این دو طبقه در مقابل هم وجود دارد.

میخواهم بگویم که این مردمی که مقامات عشایر خطاب میکنند، انسانهای زحمتکش و شریفی هستند که چند بار توسط دو حکومت قربانی شده اند. یکبار در دهه آخر حکومت

درسهای نیشکر هفت تپه برای کارگران کشت و صنعت مغان!

پیروزمند در مقابل کارفرماها و حکومتشان از پیش باید در مقابل هر نوع توطئه ای هشیار باشند.

خلیل کیوان : در این میان عکس العمل ناسیونالیست های ترک قابل توجه است. آنها از اینکه این مجتمع به یک سرمایه دار بقول خودشان بومی واگذار شده است خوشحالی و به این ترتیب در مقابل کارگران قرار گرفته اند. در این مورد چه می گوئید؟

محسن ابراهیمی: این هم یک نمونه مشخص و روشن از این حقیقت بارها به اثبات رسیده است که ناسیونالیستهای ترک (مثل همه ناسیونالیستهای دیگر) نه تنها کوچکترین اهمیتی به معیشت و سعادت کارگران نمیدهند بلکه به معنای واقعی کلمه و به طور صریح ضد کارگر هستند. این هم یک نمونه دیگر است که نشان میدهد این فرقه ها برآستی در پستی و رذالت و ضدیتشان با سعادت و رفاه اکثریت مردم این جامعه یعنی کارگران هیچ تفاوتی با حکومت اسلامی سرمایه داران ندارند. یک نمونه دیگر است که نشان میدهد به زعم این فرقه های مهجور اگر حیات و معیشت کارگر توسط یک سرمایه دار بومی چپاول شود،

اینها به آرزوهایشان رسیده اند. جالب است بدانید که واگذاری کشت و صنعت مغان به میلیارد تبریزی به نام یونس ژائله، صاحب کارخانه بزرگ "شیرین عسل"، باندهایی از حکومت اسلامی و ناسیونالیستهای ترک را به یک اندازه خوشحال کرده است. هر دو "اهلیت" این میلیارد را تایید کرده اند! آیا همین به اندازه کافی نشان نمیدهد که اینها در ضدیتشان با زندگی طبقه کارگر و خدمتگزاری به طبقه سرمایه دار در یک صفحه قرار دارند؟

یکی از کارگرانی که قبلا میخواست در کارخانه "شیرین عسل" استخدام شود گزارشی به کمیته اذربایجان فرستاده است که بسیار گویاست. گوشه ای از این گزارش را باهم بخوانیم:

"این یونس که صنعت دشت مغان را خریده، کارخانه شیرین عسل واقع در شهرک سلیمی، طرف آذر شهر را دارد. یک خاطره از کارخانه شیرین عسل دارم اینجا لازمه برایتان ذکر کنم.

حدود بیست سال پیش حسابی بیکار بودم. از یکی از آشنایان شنیدم شیرین عسل با دیپلم کارگر استخدام می کنه، خلاصه رفتم کارخانه، اول درب، یک برگه ورودی می داد. بعد به پذیرش رفتیم.

خیلی های دیگر بودند که برای کار آمده بودند. در پذیرش، جلو من فرم استخدام گذاشتند. این فرم برای من خیلی جالب بود. فرم با نام و نام خانوادگی و آدرس محل اقامت و میزان تحصیلات و بعد سوالهای از قبیل چه کتاب های خواندید، چه مقالاتی نوشتید، آیا مقاله چاپ شده داشتید، اسم کتاب هایی را که خواندید نام ببرید، تا حالا زندان رفتید، سابقه سیاسی دارید و از این گونه سوالها.

به مسئول پذیرش گفتم شما کارگر استخدام می کنید یا نویسنده؟ در جوابم گفت این روال ماست. خلاصه از پذیرش رد شدیم چون زیادی حرف زده بودیم. جالبه بدانید این کارخانه بازداشتگاه داره و ...

با کارگر مثل برده برخورد میشد. یادم می آید وقتی یکی از سرکارگرهای خط تولید برای گزینش نهایی آمده بود، برخوردش مثل این بود که بیل کلینتون به کاخ سفید وارد میشد. اصلا برخورد بسیار زننده بود. حتی من اون نیم ساعت را به سختی تحمل کردم."

خلیل کیوان: کارگران کشت و صنعت هفت تپه



درسهای نیشکر هفت تپه برای کارگران کشت و صنعت مغان!

بسیار زیاد کار و زندگی کارگران این کشت و صنعت، آموختن از این تجربه را حتی ارزشمندتر میکند.

اینجا می‌خواهم به مهمترین این تجربیات و رهنمودها اشاره کنم که در سؤال شما هم به آنها اشاره شده است:

جلب حمایت مردم شهر:

اولین چیزی که در اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه برجسته بود و باید آموخت این است که با کاردانی حمایت وسیع جلب کردند.

کارگران نیشکر هفت تپه توانستند در مقیاسی هزاران نفره، همراه خانواده هایشان، همراه مردم شهر، همراه معلمان و دانشجویان و کسبه و سایر مردم شهر در خیابانهای شوش و در مقابل استانداری مشت گره کرده و خواسته های برحقشان را اعلام کنند. اعتراضشان را چهاردیواری کارخانه نگه نداشتند. به شهر و مقابل نهادهای حکومتی مثل فرمانداری و استانداری کشاندند. خانواده هایشان را دخیل کردند و در نتیجه اعتراضشان قدرتمندتر شد. فراتر از خانواده، معلمان، دانشجویان، کسبه و سایر مردم شهر را به حمایت فراخواندند و حمایت گرفتند و در نتیجه توانستند یک شهر را به تعطیلی بکشاند و همبستگی دانشجویان و

کارگران کشت و صنعت هفت تپه یکی از باشکوهترین مبارزات کارگری در تاریخ مبارزات کارگری ایران و حتی منطقه را پیش بردند. مبارزه این کارگران همبستگی میلیونها انسان در ایران و جهان را به خود جلب کرد. کارگران هفت تپه و رهبرانشان در قلب میلیونها انسان در ایران و منطقه و جهان جای گرفتند. مردم هرگز سیمای این انسانهای زحمتکش و شریف و آگاه و مبارز و رهبران جسور و کاردانشان را فراموش نخواهند کرد. انسانهایی که با چنگ و دندان برای نجات نان و معیشت و حرمتشان در مقابل طبقه سرمایه دار و یک سازمان مافیایی به نام حکومت اسلامی مقاومت کردند و نهایتا مجبورشان کردند که بخشی از دستمزدهای به یغما رفته شان را پس بدهند. عقب نشینی کارگران هفت تپه در مقابل مجموعه ای از دسیسه ها و توطئه ها و بازداشتها و سرکوب حکومتی فقط یک عقب نشینی موقت است. این کارگران و رهبرانشان این بار با اندوخته ای از تجربیات ارزنده باز خواهند گشت. در این تردیدی نیست.

کارگران کشت و صنعت هفت تپه یک دنیا تجربه و رهنمود و شعار ارزشمند دارند که کارگران کشت و صنعت مغان میتوانند بیاموزند. شباهتهای

اعتراضات متحد، قدرتمند، پر سر و صدا و موثری را پشت سر گذاشتند و تجربیات ارزنده ای برای کارگران نه فقط این واحد، بلکه طبقه کارگر ایران ببار آوردند. هفت تپه و فولاد اهواز از نظر سازماندهی و اتکا به مجمع عمومی و شورا، از نظر بسیج توده ای و شرکت خانواده های کارگری و زنان در اعتراضات، بسیج اهالی شهر و حتی کسب حمایت بازاریان از خواسته های خود، کارهای شگرفی صورت دادند و حمایت گسترده ای در ایران و خارج کشور را بخود جلب کردند. کارگران کشت و صنعت مغان چگونه می توانند تجارب هفت تپه را بکار ببرند و مبارزه خود را به پیش ببرند؟ هفت تپه و فولاد چه درسهایی برای کشت و صنعت مغان دارند؟

محسن ابراهیمی: یک شانس کارگران کشت و صنعت مغان این است که قبلا همکاران و هم طبقه ایشان در کشت و صنعت هفت تپه تجربیات ارزنده ای در مقابله با تعرض حکومت اسلامی به کار و معیشتان داشتند. امروز دیگر همه میدانند که

درسهای نیشکر هفت تپه برای کارگران کشت و صنعت مغان!

معلمان و بخشهای مختلف مردم در سراسر کشور را هم جلب کردند. همه اینها باعث شد مبارزه این کارگران ابعاد اجتماعی بزرگی به خود بگیرد و بیشتر رسانه ای شود و انعکاس بیشتری پیدا کند و در نتیجه امکان سرکوب حکومت کمتر و کمتر شد. سرمایه داران و حکومتشان این بار نه فقط با کارگران بلکه با یک شهر روبرو شدند. کارگران نشان دادند که آنها وسیع اند و قدرتمند و حکومت تنها است و ضعیف.

مجمع عمومی، شورای نمایندگان و اداره شورایی:

کارگران نیشکر هفت تپه توانستند یک اعتصاب و اعتراض طولانی را با اتحاد تمام پیش ببرند. اعتراضشان آنچنان متحد و قدرتمند پیش رفت که همه مقامات حکومتی محلی و سراسری از نیروهای امنیتی گرفته تا امامان جمعه و بسیج و نیروی انتظامی را به ترس انداخت.

رمز پیش بردن چنین اعتراض ادامه دار و قدرتمند چه بود؟ این بود که رهبران و فعالین و پیشروان اعتراضشان به نیروی همه کارگران حساب کردند. این بود که اعتصابشان با حضور و دخالت فعال توده کارگران در تصمیم گیریها پیش رفت.

این کار چه طور انجام شد؟ از طریق مجمع عمومی کارگران و شورای نمایندگانشان که توسط مجمع عمومی انتخاب شدند، نمایندگانی که پیشنهادهایشان را در مجمع عمومی کارگران به اطلاع کارگران رساندند، مذاکراتشان را به مجمع عمومی کارگران گزارش دادند، به نظر و دخالت کارگران اهمیت دادند و حضور و حمایت کل کارگران را پشت تصمیمات داشتند.

مجمع عمومی و شورای منتخب آن کلید اتحاد طبقاتی کارگران و حضور توده های وسیع در اعتراضها بود. در کشت و صنعت مغان هم باید از همان اول مجمع عمومی تشکیل داد، شورای نمایندگان را انتخاب کرد تا اعتصاب و اعتراضاتشان را رهبری کند.

اعتراضی که در مقابل چشمان مردم ایران و جهان پیش رفت:

یکی از نقطه قوتهای حیاتی اعتراض کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه این بود که توانستند این مبارزه را در مقابل چشمان میلیونها کارگر و مردم محروم در ایران و جهان پیش ببرند. این حیاتی است مخصوصا به این خاطر که رسانه های رسمی جمهوری اسلامی نه تنها خبری از این اعتراضات پخش نمیکنند بلکه وقتی هم خبری پخش میکنند تمام دروغ و وارونه سازی

است. کارگران نیشکر هفت تپه از لحظات اعتصاب و اعتراض خیابانیشان، از سخنرانیهای رهبرانیشان، از سخنرانی رهبر محبوبشان اسماعیل بخشی، از حضور و دخالت فعال هزاران کارگر در مجمع عمومی و اعتصاب و تظاهرات خیابانی و تجمعات قدرتمند در مقابل فرمانداری و استانداری، از شعارهایی که در خیابانهای شوش فریاد زدند، از مقاومت و مقابله جسورانه شان در مقابل نیروهای سرکوب ویدیو گرفتند و فوراً در اختیار تعداد زیادی از انسانها در ایران و جهان قرار دادند که نگران سرنوشت مبارزه این کارگران بودند.

نتیجه این کاردانی و ابتکار چه بود؟

نتیجه اش این بود که به حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی اجازه ندادند که بتواند این مبارزه شورانگیز را در سکوت رسانه ای ایران و جهان سرکوب کند و خاموش کند و کسی هم متوجه نشود که در یک گوشه دنیا هزاران کارگر توانستند در مقابل یکی از ضد کارگرترین حکومتهای سرمایه داری قرن بیست و بیست و یک مبارزه ای بسیار توانمند پیش ببرند.

نتیجه اش این شد که سیلی از همبستگی و حمایت و اظهار محبت از سراسر جهان به سوی کارگران مبارز هفت تپه

درسهای نیشکر هفت تپه برای کارگران کشت و صنعت مغان!

بسیار به هم شبیه هستند. کارگران هفت تپه میگویند نیشکر هفته تپه، زمینها و وسایل تولید و همه امکاناتش پدران و مادرانشان خلق کرده اند و همه این امکانات متعلق به خودشان است. کارگران هفت تپه میگویند محصول سالهای دراز کار و زحمت مادران و پدرانشان را امروز یک مشت سرمایه دار اسلامی مفتخور به حراج گذاشته اند و تحت نام خصوصی سازی در اختیار آقازاده های اسلامی سرمایه دار مثل اسد بیگی و رستمی گذاشته اند تا این مفتخورها به عنوان مالک خصوصی جدید بر گرده کارگران ثروت پارو کنند. کارگران هفته تپه میگویند آقازاده های رانت خوار اسلامی لیاقت اداره این مجتمع بزرگ را ندارند و باید کنار بروند تا خود کارگران شرکت را اداره کنند. اسماعیل بخشی، نماینده کارگران هفته تپه از طرف این کارگران اعلام کرد که ما خودمان هفت تپه را به صورت

مورد اعتماد کارگران و کارگران مورد اعتماد رهبری داشتند. رهبری ای داشتند که توطئه های کارفرما و نهادهای حکومتی را منظم به اطلاع کارگران میرساندند و با یک آگاهی جمعی و تصمیم جمعی با این توطئه ها مقابله میکردند.

خواست ادراه شورایی هفت تپه:

قبلا گفتم که شرایط کار و فعالیت کشت و صنعت هفت تپه و کشت و صنعت مغان بسیار شبیه هستند. هر دو مربوط به زندگی هزاران کارگر و خانواده هایشان هستند. هر دو زندگی جمعیت وسیعی در شهر و منطقه را تحت تاثیر قرار میدهند. در اتفاقات هر دو زندگی اقتصادی و معیشت جمعیت وسیعی بازبچه معادلات و معاملاتی است که در میان مافیای اقتصادی حاکم در ایران در جریان است. به این اعتبار خواستهای کارگران این شرکت و تلاش و مبارزه شان

سرازیر شد. در کنار دهها نامه همبستگی با کارگران هفته تپه و اعتراض به سران حکومت، فقط در یک مورد 82 اتحادیه کارگری در جهان به نمایندگی از میلیونها کارگر در جهان به خامنه ای این پدرخوانده مافیای سرمایه داری در ایران نامه اعتراضی نوشتند و خواهان پاسخ دادن به مطالبات بحق کارگران و آزادی دستگیر شدگان کارگری شدند. میدانیم که در حالیکه نیروهای امنیتی دست به سرکوب کارگران میزدند و رهبرانشان را دستگیر میکردند، امام جمعه ها و بسیجیها و نمایندگان مجلس در هماهنگی با همان نیروهای امنیت توطئه میکردند که در صف کارگران تفرقه بیندازند. اینکه کارگران توانستند بارها و بارها این توطئه ها را خنثی کنند و ماهها با اتحاد کامل مبارزه شان را پیش ببرند و یک شهر و یک منطقه و بعدا ایران و جهان را پشت سر خود داشته باشند به این خاطر بود که شورای رهبری اعتراضات داشتند. مجمع عمومی داشتند. همفکری و همنظری و هماهنگی منظم داشتند. رهبری



**درسهای نیشکر هفت تپه برای
کارگران کشت و صنعت مغان!**

شورایی اداره میکنیم. ما خودمان تولید و توزیع این مجتمع را سازمان میدهیم. گفت که کشت و صنعت هفت تپه باید در اختیار کارگرانشان قرار بگیرد که با کار و زحمتشان کل این مجموعه را زنده نگه داشته اند. گفت که حتی اگر این مجموعه به مالکیت دولت برگردد باید تحت نظارت و کنترل کارگران و اداره شورایی کارگران باشد.

کارگران کشت و صنعت مغان هم صاحبان واقعی و بحق تمام امکانات این شرکت هستند و باید از طریق شورایشان به دولت و کارفرما اعلام کنند که کنار بروید و مجتمع را خودمان اداره میکنیم. حتی اگر کشت و صنعت در دست دولت بماند هنوز اداره اش باید تحت کنترل کارگران و شورایشان باشد.

مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان:

یک درس مهم مبارزه کارگران کشت و صنعت هفت تپه این است که کارگران هرگز رهبرانسان را تنها نگذاشتند. از خواست آزادی کامل رهبران و فعالین دستگیر شده کوتاه نیامدند. هزاران نفر در شهر راهپیمایی کردند، در مقابل استانداری تجمع کردند و شعار دادند "کارگر زندانی آزاد باید گردد." و بالاخره توانستند عزیزانشان را از چنگ حکومت سرمایه داران نجات دهند.

خلیل کیوان: کارگران هفته تپه شعارهایی را در

اعتصابات و اعتراضاتشان فریاد زدند. شاخصترین شعارها چه بودند؟ آیا این شعارها میتوانند شعارهای کارگران کشت و صنعت مغان هم باشند؟

محسن ابراهیمی: ایران صحنه یک مبارزه مرگ و زندگی میان طبقه سرمایه دار و حکومتش با کارگران و سایر مردم عدالت طلب است.

کشت و صنعت مغان مثل کشت و صنعت هفت تپه توسط یک شبکه سیاسی و اقتصادی مافیایی به ریاست حکومت اسلامی مورد تعرض قرار گرفته است. این مجموعه دقیقا مثل کشت و صنعت هفت تپه تقریبا مفت در اختیار یک میلیاردی گذاشته شده است تا به عنوان صاحب کار جدید تعداد زیادی را بیکار کند و شرایط جدید کار برده وار را برای کارگران باقیمانده تحمیل کند.

با این حساب هم شرایط کار و زندگی این دو کشت و صنعت شبیه هم است و هم حکومتی که به معیشت این کارگران تعرض میکند یکی است و به این اعتبار خواسته ها و شعارهایشان هم خیلی شباهت دارند.

این را هم بگویم که همزمان با اعتصاب و اعتراض کارگران هفته تپه، کارگران فولاد اهواز هم اعتصاب و اعتراض بسیار قدرتمندی را پیش بردند و شعارهایی را فریاد زدند که

گویای درد و رنج و خواست و اهداف کارگران کشت و صنعت هفت تپه و کشت و صنعت مغان است.

اجازه بدهید اینجا تعدادی از شعارهای برجسته را که کارگران در اعتراض هفت تپه یا فولاد فریاد زدند مطرح کنیم که بی تردید حرف دل کارگران کشت و صنعت مغان هم هستند.

- این همه بیعدالتی، هرگز ندیده ملت!
 - کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است!
 - فرماندار تنگت باد، شرمت باد!
 - درود برکارگر، مرگ برستمگر!
 - کارگر بیدار است، از استثمار بیزار است!
 - کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد!
 - ما کارگران آهنیم، ریشه ظلمو میکنیم.
 - دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست!
 - نه حاکم نه دولت، نیستند به فکر ملت!
 - فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد!
 - نه تهدید نه زندان دیگر اثر نداره!
 - کارگر زندانی آزاد باید گردد!
- این شعارها و شعارهای ابتکاری دیگری که خود کارگران کشت و صنعت مغان خلق خواهند کرد کمک میکند که



درسهای نیشکر هفت تپه برای کارگران کشت و صنعت مغان!

مردم بدانند درد کارگران چیست، اعتراض کارگران علیه چیست، و همچنین کمک میکند کارگران اعتراضشان را متحد و یکپارچه با شعارهای واحد پیش ببرند.

در آخر مایلیم چند نکته در باره کل خصوصی سازی مطرح کنم که به این گفتگو مربوط است. دولتی یا خصوصی؟ کدام به نفع کارگران است؟ هیچ کدام. اینها دو شکل متفاوت به بردگی کشیدن کارگران و مکیدن شیر جانشان است. سرمایه دار چه دولتی و چه خصوصی سرمایه دار است. صاحب وسایل تولید است و بخش بسیار کوچکی از محصول کار خود کارگر را به صورت دستمزد به کارگر برمیگرداند تا کارگر زنده بماند و برای این طبقه ارزش اضافی و سود تولید کند و ثروت و قدرت این طبقه را افزایش دهد. این رکن نظام سرمایه داری است چه دولتی، چه خصوصی و چه ترکیبی از این دو.

در این صورت سؤال این است: چرا کارگران در اعتراض به خصوصی سازی دست به اعتصاب و اعتراض میزنند؟ چرا کارگران هفت تپه و فولاد ماهها در خیابانهای شوش و اهواز اعتراض میکنند؟ چرا حتی در این اعتراضات در کنار سایر خواستههای برحقشان علیه خصوصی سازی هم شعار میدهند؟

پاسخ روشن است: کارگران بخوبی آگاهند که ترفند

خصوصی سازی پوششی برای تعرض بیشتر همان دولت و طبقه سرمایه دار مورد حمایتش به حقوق کارگران است. خصوصی سازی اسم رمز حمله به همان حداقل حقوقی است که کارگران طی سالیان دراز به دولت تحمیل کرده اند. خصوصی سازی شیوه حکومت اسلامی و کل طبقه سرمایه دار برای تحمیل فقر و بیحقوقی بیشتر به کارگران است.

مساله کارگران حتی وقتی علیه خصوصی سازی شعار میدهند این نیست که گویا دولت کافرهای خوب و منصفی است و بهتر است بماند. مساله شان این است که نمیخواهند اجازه دهند به نام انتقال مالکیت و مدیریت از دولت به بخش خصوصی، کل طبقه سرمایه دار و دولتشان نقشه های پلیدشان برای فشار بیشتر و بیحقوق کردن بیشتر کارگران را پیش ببرند.

خواست کارگران هفت تپه برای اداره شورایی کارخانه چه خصوصی و چه دولتی دقیقا به خاطر آگاهی کارگران از این حقیقت است. اداره شورایی کارخانه قدم اول راهی است که فرجامش باید فراتر رفتن از کل سیستم بردگی مزدی و ادراه شورایی کل جامعه توسط کارگران و شهروندان جامعه باشد.

چه خصوصی چه دولتی، کارگران باید دستمزد مناسب، حق بیمه مناسب، بهداشت و درمان و تحصیل و تفریح مناسب، حقوق بیکاری مکفی، حق تشکل، حق اعتصاب و حق تجمع داشته باشند. چه خصوصی و چه دولتی، کارگران

باید با اعتصاب و اعتراضشان تا میتوانند بخش بیشتری از محصول کار و خلاقیت خود را از حلقوم سرمایه داران بیرون بکشند و زندگی خود را به رفاه و آسایش و تفریح در خور یک انسان در قرن بیست و یک نزدیکتر کنند.

میگویم نزدیکتر کنند چون روشن است که تضمین نهایی یک زندگی انسانی برای کارگران و همه شهروندان جامعه در خود نظام سرمایه داری، نظامی که بنیادش کار مزدی است ممکن نیست. کار کوچکی از محصول کار و خلاقیت کارگران به خودشان و بالا کشیدن بخش اعظم آن توسط اقلیت سرمایه دار. همان نظامی که در کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و کشت و صنعت مغان وجود دارد چه دولتی باشند و چه خصوصی و چه خصولتی. به این ترتیب بوجود آوردن شرایط زندگی انسانی برای همه شهروندان فقط و فقط با نابودی نظام سرمایه داری، نظامی که اساسش بردگی مزدی اکثریت عظیم جامعه است امکانپذیر است. نظامی که در آن کارگر و سرمایه دار وجود ندارد. به جایش شهروندان برابر و آزاد وجود دارند. اسم این نظام نه دولتی است. نه خصولتی است. اسم این نظام در تاریخ مبارزه برای آزادی و برابری و انسانیت، نظام سوسیالیستی است.

28 دسامبر 2018 - 7 دی 1397

منتشر شده در انترناسیونال 796

جنبه هائی از سیاست خصوصی سازی ها و تبعات آن در زندگی مردم!

مختصری در مورد سیاست
خصوصی سازی در ایران!
فراز آزادی

در سیستم سرمایه داری تحت حاکمیت جمهوری اسلامی خصوصی سازی در دوره ای مطرح شد که در جهان، این نوع سیاست اقتصادی از طرف بانک جهانی پول و سازمان تجارت جهانی به همه دولت‌ها دیکته شد و یکی از شروط ادغام در سیستم جهانی سرمایه داری، عملی کردن این امر قلمداد می‌کردند. در ایران، این سیاست از طرف رژیمی قرار بود بکار گرفته شود که از جهات زیادی، چه از نظر سیاسی و اقتصادی و چه از نظر اجتماعی در بحران فزاینده بسر میبرد و مقبولیت خودش در میان مردم را از دست میداد. بحران های مزمن سیاسی و اقتصادی و (اعتراضات کوی دانشگاه تهران در سال 1378 و اعتراضات دیگر کارگری و دانشجویی و سایر اقشار مردم) این رژیم را در تحت فشار قرار میداد. در دل چنین بحرانهای اقتصادی حاد که کشمکشهای دورن حکومتی نیز به امری روزمره تبدیل شده بود، سازمان خصوصی سازی (در سال 1380) تشکیل شد و اجرایی شدن اش کلید خورد. این سیاست رژیم در جهت نشان دادن چراغ سبز به بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی مبنی اینکه حکومت

جمهوری اسلامی میخواهد به یک حکومت متعارف سرمایه داری دوره حاضر تبدیل شود، صورت میگرفت.

ریشه های سیاست
خصوصی سازی، بی
کفایتی بخش دولتی یا
اجرای سیاستهای
اقتصادی نئولیبرالی؟

خصوصی سازی ریشه اش در این مهم نهفته است که دولتی که خود برای دوره ای به عنوان سرمایه دار عمل میکرد و به عنوان گرداننده واحدهای تولیدی در استثمار نقش داشته و برای انباشت سود تلاش میکرد، با واگذاری این واحدهای تولیدی به بخش خصوصی، نقش اش را در این عرصه از اقتصاد کم کند. بدین ترتیب دولت بار اداره کرد واحدهای اقتصادی را از روی دوشش انداخته و از نظر هزینه کوچکتر و کوچکتر شود. یعنی هدف واگذاری کلیه تولید و توزیع اجتماعی به بخش خصوصی میباشد. حتی کار، تنها به واحدهای تولیدی محدود نمیشود، بلکه خدمات اجتماعی مانند بهداشت و درمان و آموزش و پرورش و حمل و نقل عمومی و پست و مخابرات نیز به بخش خصوصی واگذار میشود و عملاً دولت هیچگونه مسئولیتی در قبال خدمات اجتماعی به شهروندان اش ندارد. نهایتاً دولت در راس یک ارگان اداره کننده جامعه و مستقیماً دادن خدمات به سرمایه داران بخش خصوصی عمل میکند. این هدف غایی سیاست خصوصی سازی میباشد. این سیاست اجرای اهداف سیاستهای نئولیبرالی

در اقتصاد جهانی است و به هیچ وجه نشاندهنده عدم کارایی دولت نیست. دولتها در دنیا بعد از انقلاب اکتبر و تحت تاثیر این انقلاب در برابر جنبشهای اجتماعی کارگران و بخشهای حقوق بگیر جامعه در همه کشورهای اروپایی و امریکا، با قبول مسئولیت تامین کار و بهداشت و درمان و آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی، مانند بیمه بیکاری برای بیکاران، یک عقب نشینی را قبول کرده بودند و اکنون با این سیاست دارند همه آن مسئولیتها را بازپس میگیرند. به معنی بهتر یک جهنم واقعی تحت سیطره حاکمان دوره جدید سرمایه داری در همه دنیا!

تاثیرات خصوصی سازی بر
زندگی کارگران!

از روز اول به اجرا درآمدن این سیاست در ایران، در هر واحدی که خصوصی شده بود، با کمی پس و پیش، با اخراج کارگران، کم کردن حقوق و مزایا و کاهش خدمات رفاهی از طرف کارفرماها روبرو بودیم و هستیم. خصوصی سازی یعنی تحمیل فقر و فلاکت بیشتر و بیشتر به کارگران! معلوم است که کارفرماهای تازه واحدها برای جلوگیری از اعتراض کارگران به این بیحقوقی ها عده ای از اعوان و انصارشان را در واحدها به کار میگیرند تا این سیاست ضدانسانی را توجیه کنند و همینها هستند که مبلغ بهتر بودن خصوصی سازیها در برابر دولتی ماندن میباشند.

کافیست کسی از اینها سوال کند که شما لطفاً بفرمایید، با

جنبه‌هایی از سیاست خصوصی‌سازیها و تبعات آن بر زندگی مردم

خصوصی‌سازی چه گلی به سر کارگر جماعت زده میشود؟ قطعاً جوابی ندارند. این مصیبت اقتصادی را همه کارگران واحد های خصوصی شده با گوشت و پوست شان تجربه کرده اند!

مخالفت با خصوصی‌سازی به معنای موافق دولتی بودن است؟

کارگران بنا به دلایلی که در بالا توضیح دادم، به علت بدتر شدن وضعیت زندگی شان (در اثر به اجرا درآمدن این سیاست) در اثر اجرای خصوصی‌سازی، حق دارند که در برابر آن موضع بگیرند. ولی شما بطور واقعی اگر میخواهید در قدم اول، مانع بدتر شدن زندگی تان بشوید، مجبورید بگوئید که واحد صنعتی تان در اختیار دولت بماند و بعد در قدم بعدی و در بهترین توازن قوا خواهان دخالت در اداره کارخانه و واحدتان بشوید. قطعاً استثمار، چه دولتی، چه خصوصی، استثمار است، ولی در برابر شما در این انتخاب، انتخاب بین بد و بدتر نیز قرار میگیرد و چنین بنظر میرسد که مخالف با خصوصی‌شدن، طرفدار دولتی ماندن است. در صورتیکه بطور واقعی در هر مبارزه ای برای مقابله با خصوصی‌سازی، مخالفت با آن به عنوان تاکتیک قدم اول، پیش میاید. معمولاً در همه مبارزات کارگران علیه خصوصی‌سازیها، اتوماتیک از این مسیر گذر

بدست آمده از فروش نفت در دوره 8 ساله حکومت احمدی نژاد، رقمی بالغ بر 630 میلیارد دلار بوده (به نقل از سایت اقتصاد نیوز- درآمد حاصل از نفت ایران در دوره احمدی نژاد) که بخش بزرگی از این رقم از طریق رانت های مرتبط با جناح های مختلف رژیم به حسابهای شخصی سران رژیم در خارج از کشور منتقل شده بود. این رقم معادل 70 سال درآمد حاصل از فروش نفت ایران (از زمان ویلیام دارسی تا زمان شروع ریاست جمهوری احمدی نژاد را شامل میشده) است. بنابراین اجرای سیاست خصوصی سازی در دل چنین شرایطی، میتوانست به راحتی برای اختلاس و دزدیهای حکومت آیت الله های میلیاردی دزد و غارتگر باشد. این سیاست از دو طریق میتوانست مورد استفاده عوامل رژیم برای ثروت اندوزی شخصی قرار گیرد. اول از طریق خرید ارزان شرکتها و موسساتی که درآمد نجومی دارند. مثل اداره مخابرات و پست و یا پتروشیمی ها و پالایشگاههایی که سودآوری شان تضمین شده بود. این

میکند. دخالت کارگران در اداره کارخانجان و واحد های تولیدی، قدمی بهتر و بعدی است. به ویژه با توجه به پیشرویهای ماه های اخیر جنبش کارگری، خواست دخالت در اداره شورایی، چه در دست دولت و چه در بخش خصوصی مطرح میشود و کاملاً بحق و درست است.

آیا اصولاً در حاکمیت جمهوری اسلامی، خصوصی‌سازی فراهم کردن شرایطی برای آقازاده های حکومتی نیست که اقتصاد را بدست بگیرند و سود های نجومی به جیب بزنند؟ چه رابطه ای بین مهره های مهم حکومتی و خصوصی سازی ها وجود دارد؟

در جامعه ایران، حکومت درگیر یک فساد عمیق بوده که بخشهای مختلف آن، هر کدام بنا به فراخور موقعیتشان مشغول بچاپ بچاپ و سرکیسه کردن ثروت حاصل از دسترنج کارگران و همه بخشهای حقوق بگیر جامعه هستند. به عنوان مثال، ارز



جنبه‌هایی از سیاست خصوصی‌سازیها و تبعات آن بر زندگی مردم

واحدهای صنعتی و موسسات دولتی به قیمت فوق‌العاده ارزان و بخش‌اقتصادی به وابستگان بالای حکومتی و در دوره ای به عوامل بالای سپاه و اطلاعات واگذار میشد و شده است. دوم واگذاری واحدهای صنعتی و کارخانجاتی که سودآوری شان را بخاطر سوء مدیریت (عمتا مدیران دزد و اختلاسگر) از دست داده و به ورشکستگی کشیده شده بودند. این واحدها هم به قیمت فوق‌العاده ارزان به عوامل حکومتی و دولتی واگذار میشد و از این طریق راههای دزدی فراهم میگردد. مانند نیشکر هفت تپه که خریدار آن به اعتبار داشتن این مجتمع عظیم، اقدام به اخذ ارز دولتی کرده و ارز را از کشور خارج کرده است.

اقتصاد دولتی در ساختار جمهوری اسلامی موفق بوده یا نه؟ راه برون از رفت خصوصی‌سازیها کدام است؟

دولتی مانند کارخانجات و واحدهای صنعتی و خدماتی در سیستم حاکمیت جمهوری اسلامی، به جز نابودی و به فقر و فاقه کشاندن کارگران و مردم نتیجه دیگری نداشته است. عملاً خصوصی‌سازی راهی برای برون رفت از این منجلا ب فساد و اختلاس و دزدی نیست، بلکه خود دور دیگر و شکل جدیدی از عملکرد اقتصادی برای ادامه

دزدیهاست. برای حل معضلات اجتماعی در چرخه اقتصادی جمهوری اسلامی، راه دیگری جز بزرگ‌کشیدن رژیم جمهوری اسلامی متصور نیست.

جنبش کارگری در پیشرویهایی که بدست آورده است، خواهان مشارکت در مدیریت شده و کنترل و نظارت کارگری را از طریق شورای کارگران عملی میدانند. از این زاویه چگونه میتوان به مسئله مقابله کارگران با خصوصی سازیها نگاه کرد؟

مبارزات شکوهمند کارگران نیشکرهفته تپه در مدت یک ماهی که در جریان بود، نوع مبارزه، کیفیت و کمیت مبارزه، کشاندن مردم شوش به خیابانها، بمانند یک قیام شهری و حضور خانواده‌های کارگران و زنان در این اعتراضات جنبش کارگری ایران را در یک فاز بالاتری قرار داد. وجود رهبران برجسته و در نوع خود بینظیر مانند اسماعیل بخشی در پیشاپیش و رهبری این مبارزات بحث در اختیار گرفتن مدیریت واحد عظیم صنعتی مانند هفته تپه درسهای زیادی برای جنبش کارگری ایران بارمغان آورد. حزب کمونیست کارگری ایران، چهل سال است (با احتساب زمان تشکیل اولین شکل و سازمان و حزب کمونیستی که منجر به تشکیل حزب کمونیست کارگری شده است) که روی مجمع عمومی و شورا به عنوان بهترین شکل سازمانیابی و تشکیلیابی کارگران در ایران، میکوبد و به پیش میرود. این مهم در نیشکر

هفت تپه بطور واقعی اجرا شد. تشکیل مجمع عمومی در بخشهای مختلف هفت تپه و تشکیل مجمع نمایندگان، به عنوان شورای کارگران هفت تپه و اعلام اینکه ما خواهان لغو خصوصی‌سازی هستیم و چه در حالت خصوصی و چه در حالت ماندن دست دولت، شورای کارگران باید بر مدیریت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نظارت کنند، یک دستاورد مهم در جنبش کارگری میباشد. این به معنای واقعی کلمه، یعنی اعمال اراده توده ای بر یک واحد صنعتی، عالیترین شکل مبارزه کارگران را در مقابل دید همه کارگران ایران و جنبش کارگری قرار داد. قطعاً بدیهی بود که دولت و رژیم جمهوری اسلامی در برابر چنین قدر قدرتی کارگران ساکت نمیمانند و هیچ کسی شک نداشت که با کسب این دستاورد، رژیم‌ها و اسلامی حامی سیستم سرمایه داری، کنترل کارگری عملی شدن اش، سخت است، ولی کارگران هفت تپه برای تسخیر این سنگر مهم، یعنی مطرح کردن کنترل کارگری، ارزش طرح این خواست و پیش بردن مبارزات شان در این جهت را خوب میدانستند و درست تشخیص داده بودند. سنگری که دیگر باز پسگیری اش از جنبش کارگری برای رژیم آسان نبود. بنابر این همه کارگران ایران و جنبش کارگری، تشکلهای فعالین کارگری، باید از این تجربه گرانبها استفاده کنند، چرا که استفاده از این تجربه ما را در توازن قوای اتی جنبش سرنگونی، یاری خواهد رساند. در یک کلمه اعمال

جنبه‌هایی از سیاست خصوصی‌سازیها و تبعات آن بر زندگی مردم

اراده توده‌ها برای دخالت در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه، هدفی مهم در ساختن یک جامعه مبتنی بر دخالت عامه مردم بر سونوشت شان.

نگرش کمونیسم کارگری و جایگاه مبارزه علیه خصوصی‌سازیها

از نظر یک نگرش کمونیستی - کارگری، مبارزه علیه خصوصی‌سازی، یک مرحله از مبارزه و به نوعی راهی برای کشاندن کارگران واحد‌های در شرف خصوصی‌سازی شده، به صحنه اعتراض به وضع موجود می‌باشد. قطعاً همه میدانیم که با وجود رژیم جمهوری اسلامی، چه دولتی و چه خصوصی، وضعیت کارگران روز بروز بدتر و بدتر میشود و بنابراین راه حل، مبارزه برای بزرگ‌کشیدن جمهوری اسلامی و برپایی یک حکومت مبتنی بر حقوق انسان و بری از استثمار، سیستمی که در آن رفاه همه آحاد جامعه مبنای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی مد نظر قرار گیرد، می‌باشد. در این رابطه میتوان گفت که کارگران مثلاً واحدی مانند کشت و صنعت مغان، همین امروز در برابر واگذاری کشت و صنعت مغان بهترین تاکتیک شان، مبارزه علیه فساد و اختلاس اقتصادی ای هست که تحت پوشش خصوصی‌سازی به جریان افتاده، می‌باشد. باید این غارت بیمه‌بای صاحب جدید را افشا

و به آن اعتراض کرد. این اعتراض به معنای تایید دولتی شدن نیست! این اعتراض فازی از یک مبارزه اجتماعی است! قطعاً کارگران کشت و صنعت میدانند که مدیران دولتی کشت و صنعت در طول سه دهه چه بچاپ بچاپی را در این واحد انجام داده‌اند. بهترین گزینه، اعتراض و مبارزه ای هست که کارگران میتوانند به آن دست بزنند. بقدر کافی مدرک و مستندات وجود دارد که نشان داد، چرا کارگران باید اعتراض کنند و چگونه از بدتر شدن وضعیت زندگی شان جلوگیری کنند. قطعاً در هفته‌های آتی نمودهای عینی آشکاری از این غارت و چپاول در کشت و صنعت مغان در برابر همه قرار خواهد گرفت. نباید بیطرف ماند و نظارگر بود.

جریانات ناسیونالیستی و سیاست خصوصی‌سازیها

از نظر ناسیونالیستها، سرمایه دار ترک بهتر از سرمایه دار فارس است! اصلاً مشکل فارس و ترک بودن آدم‌هاست. حکومت بد است، ظالم است، چون حکومت فارسها هستند! که علیه ترکها عمل میکنند! ریشه معضلات و مشکلات در حاکمیت فارسهاست و نه سیستمی که مبنایش استثمار انسانهاست. اگر ترکها حکومت کنند، جامعه ای بری از ظلم و ستم خواهیم داشت. بنابر این برای ناسیونالیستها، این مهمترین اتفاق است که یک سرمایه دار ترک تبریزی (حالا هر جنایتکار و دزد و غارتگری باشد، مهم نیست) بجای یک سرمایه دار فارس کشت و صنعت را خریده است،

فراز آزادی 2019/01/13

برخی پیامهای دریافتی از مردم در رابطه با خصوصی سازی کشت و صنعت مغان

اظهار نظرهای زیر، الزاما نظر نشریه و کمیته اذربایجان حزب کمونیست کارگری نیست!

• مطلب ارسالی یکی کاربران
به نام فرزین امیدوار

دوستان، نکاتی در رابطه با
اینکه چرا دولت دست به
خصوصی سازی میزند:

۱- واحد های صنعتی که با بی
کفایتی مدیریتی و یا بهتر
بگوییم دزدی ها و اختلاس های
صورت گرفته به ورطه
ورشکستگی کشیده شده اند،
عملا از نظر هزینه باری بر
دوش دولت دارند وخصوصی
سازی سیاستی در جهت
کاهش هزینه های دولت
است. در حقیقت دولت با اینکار
مسئولیتی را از دوشش
میاندازد. از طرف دیگر با اینکار
یک واحد را به باندهای خودش
واگذار می کند که باقیمانده
ثروت آن واحد را یکی از اعوان
و انصار خودش تصاحب کند.

۲- در برخی موارد از خصوصی
سازی، مستقیما یک بخش
سودده را به یک تشکیلات
وابسته به حکومت واگذار
می شود. مثل واگذاری
مخابرات به سپاه. و در داخل
این مجموعه واگذاری ایرانسل
به سپاه! با اینکار یک سازمان
و تشکیلات سود ده دولتی که
با بودجه دولتی احداث شده و
درآمدزاست، با قیمتی خیلی
کم به یک تشکیلات نظامی
مهم واگذار می شود و با اینکار
جیب عده ای از عوامل
خودشان را پر می کنند.

• پیام ارسالی در مورد
خصوصی سازی کشت
صنعت توسط صادق رضایی

خصوصی سازی ذاتا همین
هست

خوب و بد ندارد

ارزان و گران ندارد

ایران و خارج ندارد

نتیجه خصوصی سازی در ترکیه
و مکزیک و اروپای شرقی و
اروپای غربی و آسیای جنوب
شرقی همین بوده است

موجب سوددهی بیشتر برای
ثروتمندان و فقر و بیکاری برای
کارگران

• پیام ارسالی از فرزین امیدوار
در مورد کشت صنعت مغان

40 سال زندگی مردم منطقه
مغان را تیره و تار کرده اند و
خونشان را در شیشه کرده اند.
روزی در کشت و صنعت 15000
نفر کار میکردند. دشتی که
واقعا میتوانست با اتکا به
آخرین دستاوردهای

تکنولوژیکی قرن حاضر مواد
غذایی 15 میلیون انسان را
تامین کند، تبدیل کردند به
مجموعه ای که باید به حالش
گریست. 10 هزار نفر از کارگران
اش را اخراج کردند و باقیمانده
را با حقوقهای 5 برابر زیر خط
فقر به بردگی کشیده اند. این
ماحصل وزرا و مدیرانی است
که امروز زندگی توام با فقر و
فلاکت مردم منطقه را بدست
یک شارلاتان کثیفی بنام یونس
ژایله بدهند که افتخارش راه
اندازی شدیدترین استثمار
کارگران با حقوقهای ناچیز و
سرکوب کارگران معترض در
داخل کارخانه و یا سپردن
کارگران معترض در 13 بهمن
95 بدست دژخیمان یگان ویژه
در مقابل استانداری تبریز
میباشد.

• پیام ارسالی محمد در مورد
کشت و صنعت مغان



سال میشود 2400 میلیارد اما متأسفانه همه شرکت رو به مبلغ 1700 میلیارد و برای همیشه به غارت میبرند.

حالا دیگر اموال شرکت از قبیل کارخانجات و ادوات کشاورزی و دامداری جای خود دارد و باقیست.

• پیام توسط مهدی

قشنگ معلوم بود اعلامی زیر پرچم ژائله سینه میزنه، شکر که ایشون و سایت تابناک به هدفشون رسیدن. تا دیروز که هر متر کشت و صنعت قیمت پفک نمکی بود. حالا ک به به تبریزی رسید همون قیمت زمین میشه در و گوهر!

• پیام ارسال توسط امیری،

کی گفته دوران خان و دربار گذشته؟؟؟ کل مغان میشن رعیت آقای ژاله خان چه بازگشت بی شکوهی!!! ■

مغان!!! با این تفاسیر باید اسم مغان تبدیل بشه به خان ژائله. والسلام

• یک پیام ارسال فرهاد از مردم منطقه در مورد کشت صنعت مغان

میگویند ضررده هست اگر راست میگویند و میخواهید ضررده نباشد، بیاید برای امتحان یکی دو سال در قالب بیست هکتاری به کارگران و کارمندان و عموم مردم مغان اجاره بدهید تا خودشان اقدام به تولید کنند!

اگه هر هکتار رو به مبلغ چهار میلیون تومان اجاره بدهید خودتان حساب کنید چقدر پول بحساب شرکت و یا دولت واریز میشود

با یه حساب و ضربدر ساده اگه 60000 هکتار رو به چهار میلیون ضرب کنیم مبلغ 240 میلیارد تومان برای یک سال پول واریز میشود و برای ده

کشت صنعت مغان بیش ۶۳ هزار هکتار اراضی دارد که بیش ۶۰ درصد این اراضی متعلق به عشایر است اما دولت جمهوری اسلامی این منطقه را به چوب حراج زده است.

• پیام ارسال از آخان ارار در مورد کشت صنعت

بنده هم کارشناسم، هم تخصص دارم و هم نظر خان لمپتون رو دقیقاً میدونم فقط اینو میدونم که مردم خان نمیخان!!! همون زمین دو هکتاری الان میتونه دو خانواده رو تامین کنه!! مردم مغان کشاورز هستند و تخصص هم دارند شما نگران نباشید زمین تحویل مردم شود، ببینید چگونه از این زمین محصولات عالی برداشت میکنن!! از آقای ژائله میخاین یه بت بسازین بهرحال ایشون سرمایه دارن و میان تا بشن خان

مسائل ایمنی و یا بروز مشکلات پیش بینی نشده در محیط کار، موقتا کار را متوقف میکنند تا به اعتراض آنها رسیدگی شود.

برقراری فوری حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)، ۲۵ ساعت در کارهای سخت و کاهش منظم آن در فواصل ۵ ساله. احتساب زمان صرف غذا، فرصت معینی برای رفت و آمد، زمان استحمام بعد از کار، کلاس های سوادآموزی و آموزش فنی و زمان تشکیل مجمع عمومی جزو ساعات کار.

برنامه یک دنیای بهتر

آزادی کامل و بی قید و شرط اعتصاب. اعتصاب کارگری نیازمند هیچ مجوزی از جانب دولت و مقامات دولتی نیست. پرداخت حقوق کامل در ایام اعتصاب. حق برابر برای اعتصابیون برای توضیح علل اقدام خویش و پاسخگویی به اظهارات دولت و کارفرمایان از رسانه های عمومی. ممنوعیت غیر قانونی کردن موردی اعتصابات به هر بهانه، نظیر "منافع ملی و میهنی"، "شرایط اضطراری"، "شرایط جنگی" و غیره.

حق دست از کار کشیدن برای کارگرانی که در اعتراض به برخورد و عملکرد کارفرما و عوامل او،

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

یک نامه سرگشاده یک حکومت را آچمز کرد!

محسن ابراهیمی

ebrahimi1917@gmail.com

آشنایان با شطرنج خوب میدانند که اگر مهره ای از دشمن در وضعیت آچمز قرار گیرد، آن مهره دیگر نمیتواند تکان بخورد مگر اینکه جبهه خودش را در خطر جدی و شاهش را در معرض مات شدن قرار دهد.

نامه سرگشاده اسماعیل بخشی به وزیر اطلاعات، حکومت اسلامی را در چنین وضعیتی قرار داده است. مهره های وزارت اطلاعات نمیدانند چطور حرکت کنند که "شاه" شان مات نشود. در بن بست هستند. جایی و سمتی برای حرکت ندارند. و دقیقاً به همین دلیل به هذیان گویی افتاده اند. اظهارات اخیر رئیس کمیسیون امنیت مجلس اسلامی در باره اسماعیل بخشی را باید در این چهارچوب قرار داد.

مقاطععی در حیات سیاسی حکومتها هست که گفتار و رفتار خود حکومتیها بیش از هزار تحلیل نشان میدهد که حکومت مورد بحث در باتلاق سیاسی گیر کرده است و با هر تکانی، واقعا هر تکانی بیشتر در این باتلاق خود ساخته فرو میرود.

جمهوری اسلامی چنین مقطعی از حیات سیاسیش را از سر میگذارند و بسرعت به

سمتی میرود که با سر در همین باتلاق خفه شود. البته جالب است که رفتار و کردار خودش بیشتر این حکومت را به این سمت میبرد.

بعد از نامه سرگشاده اسماعیل بخشی خطاب به وزیر اطلاعات و به چالش کشیدن او، نمایش مضحکی در مجلس اسلامی راه انداختند تا مثلاً ادعای شکنجه اسماعیل را بررسی کنند و "عدالت اسلامی" رعایت شود! و البته همه میدانند که این "عدالت اسلامی" هیچ چیز نیست جز تلاش وقیحانه و از سر استیصال برای کاهش خشم و نفرت و انزجار وسیع از حکومتی که به جان و زندگی و تلاش یک رهبر کارگری در دفاع از منافع کارگران و شهروندان جامعه تعرض کرده است.

اظهارات مضحک فلاحی پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، یکی دیگر از "شاهکارهای" حکومت اسلامی علیه کارگران، علیه جنبش برای عدالت و برابری و آزادی است. نمونه ای دیگر از وضعیت بشدت وخیمی است که حکومت اسلامی در آن فرو رفته است.

جناب رئیس کمیسیون امنیت ملی از جلسه بررسی مجلس اسلامی بیرون آمد و اظهار کرد:

1- "اسماعیل بخشی در مسیر بازداشت و انتقال، هنگام دستگیری با ماموران درگیر شده است و چیزی به نام شکنجه صورت نگرفته است!"

چه حکومت نازنینی که حتی

هنگام انتقال یک رهبر کارگری، این رهبر کارگری است که با ماموران امنیتی بسیار مودب و انساندوست و رئوف حکومت اسلامی درگیری فیزیکی راه میاندازد. طوفان خنده ها!

اما آیا همین که یک مقام امنیتی یک حکومت شکنجه گر به هر دلیلی ناگزیر میشود شکنجه کردن یک رهبر کارگری در حکومت اسلامی را انکار کند، دلیلی واضح بر ضعف و استیصال حکومت شکنجه گران نیست؟ دلیلی واضح بر قدرت و پیشروی جنبش کارگری علیه حکومت ضد کارگر نیست؟ آیا این نشان نمیدهد که ما داریم به مقطعی نزدیک میشویم که شکنجه گران به جای انکار شکنجه باید راه فراری پیدا کنند؟

2- "آقای بخشی اعتراف کرده است که عضو یک حزب کمونیست، فکر میکنم حزب کمونیست کارگری بوده است. حزبی که سیاستش گسترش اعتراضات است!"

این دیگر نه فقط اوج استیصال بلکه اوج سفاهت است. چرا؟

استیصال:

حزب کمونیست کارگری البته به طور طبیعی ظرف فعالیت رهبران و فعالین نه فقط کارگری بلکه همه فعالینی است که برای آزادی، برای برابری، برای رفاه و سعادت و حرمت نه فقط کارگران بلکه همه شهروندان در ایران تلاش میکنند. به این معنا همه رهبران و فعالین کارگری و همه شهروندانی که میخواهند مثل انسان زندگی کنند و برایش تلاش میکنند به

میکنند که با چسباندن رهبران کارگری به حزب کمونیست کارگری میتوانند رذالت و جنایت و شکنجه و سرکوبگریشان را توجیه کنند.

اما این تصور ابلهانه است. میدانید چرا؟ چون نمی فهمند که با این کار فقط میتوانند دار و دسته های خودشان را توجیه و راضی کنند. نمی فهمند که تداعی کردن فعالیت های یک رهبر کارگری فعال در راه حرمت و کرامت و سعادت و رفاه کارگران با حزب کمونیست کارگری که برای برابری و آزادی و رفاه کارگران و شهروندان مبارزه میکند، فقط برای محافل حاکم میلیاردر جرم محسوب میشود و نه برای میلیون ها کارگر و میلیون ها شهروند خواهان آزادی و برابری و رفاه. نمی فهمند که تداعی کردن یک رهبر محبوب کارگری با یک حزب محبوب هم آن رهبر کارگری را محبوبتر میکند و هم آن حزب را.

از این درجه بلاهت مقامات حکومت اسلامی باید خوشحال بود. ■

به این نتیجه رسیده اند که با تداعی کردن این رهبر کارگری محبوب با حزب کمونیست کارگری محبوب شاید بتوانند برایش "پاپوش" درست کنند!

خوب سؤال این است و این سؤال بسیار جالبی است که آیا حکومت اسلامی برای تعرض به کارگران و پاپوش درست کردن برای رهبران کارگری واقعا نیازی دارد که کارگران و رهبرانشان را به حزب کمونیست کارگری وصل کند؟ مگر اینها همانهایی نیستند که کارگران آق دره را با شکایت کارفرمایی که خون این کارگران را مکیده است به شلاق محکوم کردند؟ مگر برای کشتار کارگران خاتون آباد، برای لشکر کشی به کارگران آذربایجان و هپکو و فولاد اهواز و هفت تپه و صدها اعتراض کارگری دیگر نیازی به این توجیحات داشتند؟

به این ترتیب، سؤال این است که چرا محافل امنیتی میلیاردهای حاکم در جمهوری اسلامی به این صرافت افتاده اند که این بار پای حزب کمونیست کارگری را به میان بکشند؟ روشن است که این کار را میکنند چون ابلهانه تصور

طور طبیعی در صف این حزب هستند. اینها کسانی هستند که آرمانها و آرزوها و تلاشهایشان برای رسیدن به این آرمانها و آرزوها با تلاشهای حزب کمونیست کارگری چفت است. مطمئن باشید که با کوچکترین شل شدن شمشیر امنیتی حکومت اسلامی هزاران فعال سیاسی و اجتماعی و هزاران فعال و رهبر کارگری جایشان را در حزب کمونیست کارگری خواهند یافت. در این تردیدی نیست.

ادعاهای اخیر رئیس کمیسیون امنیت مجلس اسلامی هم دقیقا دارد ترسشان از چنین آینده ای را منعکس میکند. این اظهارات انعکاسی از استیصال این حکومت در مقابل جنبشی به عظمت میلیونها کارگر و میلیونها شهروند برای رهایی از این حکومت است.

سفاهت:

استیصال سیاسی همیشه سفاهت سیاسی به بار می آورد. اظهارات اخیر رئیس کمیسیون امنیت ملی یکی از نمونه های بسیار جالب توجه از این نوع سفاهتها است.

معلوم است که بعد از اعتصابات و اعتراض قدرتمند کشت و صنعت هفت تپه و به موازات آن اعتراضات کارگران فولاد و اعتراض وسیع کارگری دیگر، مقامات حکومت اسلامی در اتاق فکرهای وزارت اطلاعات و امنیت کلی غور و تفحص کرده اند تا با حمله به یک رهبر کارگری محبوب کل این وضعیت را مثلا وارونه کنند.



نامه سرگشاده اسماعیل بخشی درباره شکنجه و آزارهای دوره بازداشت

دعوت از حجت الاسلام
علوی وزیر اطلاعات
جمهوری اسلامی به
مناظره در یک برنامه زنده
تلویزیونی

جناب آقای علوی در 25 روزی که ناعادلانه در بازداشت وزارت اطلاعات بودم مصائب و رنج هایی بر من تحمیل شد که هنوز از شر آنها خلاص نشدم و برای رهایی از آن ها به داروهای اعصاب و روان پناه آورده ام، اما در این مدت دو پرسش اساسی مثل خُرّه مغز مرا درگیر خود کرده است که پاسخ دهنده ی اصلی آنها فقط شخص شما میباشید و این حق بنده و ملت شریف ایران است که پاسخ این پرسش ها را بدانیم.

اول اینکه در روزهای اول بدون دلیل یا هیچ حرفی تا سر حد مرگ مرا شکنجه و زیر مشت و لگد گرفتند که تا 72 ساعت در سلولم از جایم نمی توانستم تکان بخورم و آنقدر زده بودند که حتی از تاب درد خوابیدن هم برایم زجر آور بود و امروز پس از گذشت تقریباً دوماه از آن روز سخت در دنده های شکسته ام، کلیه ها، گوش چپم و بیضه هایم احساس درد میکنم جالب اینکه شکنجه گران خود را سرباز گمنام امام زمان می نامیدند اما به بنده و خانم قلیان انواع اقسام فحش

می دانیم همسرت چند بار بخاطر مبارزات با تو دعوا کرده است گفتم از کجا میدانید گفت مدت ها تماس های تو «شنود» می شد که باعث عصبانیت شدید من حین بازجویی شد حال پرسش بنده و خانواده ام از شما بعنوان وزیر اطلاعات و یک شخصیت روحانی و مذهبی این است که : آیا «شنود» خصوصی ترین مکالمات انسانها از نظر اخلاقی، حقوق بشری و دین اسلام رواست؟ به چه حقی مکالمات تلفنی خصوصی بنده و همسر عزیزم را دستگاه اطلاعاتی شما باید «شنود» کند؟؟؟

لذا جناب آقای علوی اینجانب اسماعیل بخشی برای شنیدن پاسخ هایتان شما را به یک مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی دعوت میکنم. ■

اسماعیل بخشی

14 دی 97

های رکیک جنسی میدادند و ایشان راهم کتک می زدند اما از شکنجه ی جسمی بدتر، شکنجه های روانی بود، نمی دانم چه بر سرم آوردند که مثل موش آب کشیده شده بودم و هنوز دستهایم می لرزد، منی که زمین زیر پایم می لرزید تحقیر شدم و به شخصیت دیگری بدل شده بودم و هنوز با وجود قرص های اعصاب و روان گاهی دچار حمله های شدید عصبی روحی و روانی می شوم، اکنون از جنابعالی بعنوان وزیر اطلاعات و کسی که خودش یک روحانی مذهبی ست این پرسش را دارم : از نظر اخلاقی، حقوق بشری و بخصوص دین اسلام حکم شکنجه ی یک بازداشتی چیست؟ آیا رواست؟ اگر رواست به چه میزان؟

مسئله دوم که برای من و خانواده ام بسیار بسیار مهمتر از شکنجه های جسمی و روحی ست بحث «شنود» مکالمات تلفنی بنده و خانواده ام توسط دستگاه اطلاعاتی شماست، بازجوییم میگفت ما از همه چیز تو خبر داریم حتی



«اگر به مطالبات ما رسیدگی نشود هفت تپه را پیر
می گیریم و خودمان مدیریت می کنیم!»

اسماعیل بخشی، شکنجونی 14، گران نیشکر هفت تپه

خودکشی یک دختر دانش آموز مقطع ابتدایی

فراز آزادی

بنا به اخبار درج شده در رسانه ها، روز 26 دیماه 1397 یک دختر دانش آموز مقطع پنجم ابتدایی در مدرسه شهید اصغر زاده شهر اورمیه، اقدام به خودکشی (با مصرف دارو) نمود و در محوطه مدرسه بی هوش، و نهایتاً در مسیر انتقال به بیمارستان جان باخت.

همسایگان این دانش آموز گفتند که پدر این دانش آموز بعلت بدهی جزئی در زندان می باشد و برادر وی نیز مشغول خدمت سربازی بوده و مادرش با کارگری مخارج زندگی شان را تامین می کرده و علت خودکشی این دانش آموز، فقر و مسائل مالی شان است.

جان باختن این دخترچه را به خانواده و دوستان اش و به همه مردم ارومیه تسلیت میگویم. انگشت اتهام در این جنایت فجیع متوجه رژیم قاتل و دزد و غارتگر جمهوری اسلامی

است.

شنیدن این خبر دل هر انسانی را بدرد میاورد. تصور اینکه سن خودکشی در ایران، به 11 سال نیز رسیده است، خشم و نفرت بینهایت عمیقی نسبت به رژیم سرتاپا جنایت و چپاول سرمایه داری جمهوری اسلامی را در انسان برمیانگیزد.

امروزه جامعه ما شاهد بالارفتن غیر منتظره آمار خودکشی در سرتاسر ایران است. ریشه خودکشی ها، این معضل بزرگ و دردآور اجتماعی، سیستم سرمایه داری بحران زده تحت حاکمیت اسلامی آیت الله های دزد و میلیاردر میباشد. این رژیم یک بختک تمام عیار و ایجاد کننده یک جهنم اجتماعی برای یک جامعه 80 میلیونی است. راه مقابله با این رژیم تنها و تنها مبارزه سازمانیافته و متشکل میباشد که امروز میلیونها کارگر و زن و جوان و باننشسته به ان دست میزنند.

با یک مبارزه و اعتصاب سرتاسری همه بخشهای جامعه، از کارگران و رانندگان و

معلمان و باننشستگان گرفته تا زنان و جوانان، همه و همه، میتوان زمان بزیر کشیدن این حکومت را هر چه کوتاهتر کرد.

این امکانپذیر است و راهی برای دفاع از زندگی میلیونها انسان به جز این متصور نیست.

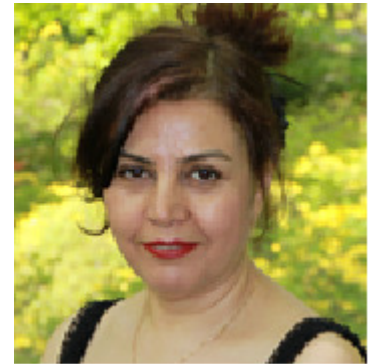
جامعه ایران برای دفاع از زندگی و بقا انسانها و برای ساختن جامعه ای انسانی که در ان، همه بر سرنوشت خودشان حاکم گردند، راه سرنگون کردن رژیم را برگزیده است. این را، قیام مردم در بیش از 100 شهر در دیماه 96 و در ادامه ان، هزاران اعتراض کارگری، اعتصابات سرتاسری رانندگان و معلمین و مردم شهرهای کردستان، و مبارزات شکوهمند کارگران هفت تپه و فولاد اهواز بطور واضح و روشنی نشان داد!

به زیر کشیدن رژیم بدست خود مردم و ساختن دنیایی بهتر و برپا کردن جامعه ای انسانی، عملی و امکان پذیر میباشد. ■

30 دیماه 97



پدیده خودکشی در ایران امروز



شهلا خباز زاده

چرا یک فرد به این نتیجه میرسد که خودکشی کند؟

یکی از مهمترین دلایلی که افراد دست به خودکشی میزنند، مسئله فقر و فشار اقتصادی است. بیکاری، نداشتن آینده روشن و نگرانی شدید از بی آینده‌گی، آنها را به ناامیدی کامل می‌رساند و باعث میشود افراد در زندگی به بن بست برسند و فکر میکنند که نه برای خودشان مفید هستند و نه برای جامعه و تنها راه را در خودکشی می‌بینند.

مسئله خودکشی راه حل درستی برای انسان نیست ولی جامعه شرایطی را ایجاد کرده که یک جوان به جای شادی و امید به آینده و بجای ساختن آینده خودش، به بن بست برسد. مرد یا زنی که خودش و خانواده اش گرسنگی می‌کشند و قادر به تامین زندگی بچه هاش نیست، قادر به تامین هزینه کودک مریضش نیست و جامعه هیچ راهی در مقابلش قرار نمی‌دهد، زندگی برایش بی‌معنی میشه و دست به خودکشی می‌زنه. متأسفانه در سالهای گذشته

متوسطی دارند. در ایران هر چند آمار رسمی وجود ندارد و دولت هم آمار دقیقی ارائه نمیدهد ولی آمارهای غیر رسمی و پراکنده نشان می‌دهد که در سالهای گذشته خودکشی رو به افزایش بوده و نیمی از خودکشیها به افراد زیر 30 سال متعلق میباشد. ایران در میان کشورهای اسلامی سومین رتبه را دارد. سن خودکشی از سنین میانسال و جوانی به جوانی منتقل شده و ما حتی کودک خودکشی کن داریم. روزانه 13 مورد خودکشی در سنین جوانی و نوجوانی در ایران اتفاق می‌افتد. میزان خودکشی خیلی وسیعتر از همین آمار غیر رسمی است. خیلی از خودکشیها از طرف خانواده‌ها اعلام نمی‌شود و مخفی نگه داشته می‌شود. اقدام به خودکشی هم جزو آمار نیست. کسانی که اقدام به خودکشی میکنند و موفق نمی‌شوند در آمار به حساب نمی‌آیند. خودکشی در بین دانشجویان زیاد شده، در بین زنان متأهل خیلی بالاست. در بین ال جی بی تی (همجنسگراها، دوجنسگراها) هم خیلی بالاست. آمار خودکشی در استانهای مختلف کشور متفاوت است ولی مناطق محروم و فقیر، بیشتر در معرض خودکشی قرار دارند. سروش دانش آموزی که در سن 17 سالگی خودش را حلق آویز کرد.

سارینا دختر جوان به علت اختلاف با والدینش و بیکاری و فقر، دست به خودکشی زد. فرید کارگر اخراج شده بیمارستان سسندج دست به

خودکشی در بین جوانان زیاد شده و به شکلهای مختلف به زندگی خود پایان داده اند، مثل استفاده از قرص یا خودسوزی. ولی یک نوع دیگری از خودکشی با توجه به بالا بودن اعدامها بخصوص در بین کودکان خیلی رواج پیدا کرده که با الگو برداری از اعدام به زندگی خود پایان داده اند. مثل کودک 12 ساله آبادانی که وقتی فهمید مادرش دوچرخه و موبایلش را (برای پرداخت کرایه خانه) فروخته خودش را دار زد.

عوامل خودکشی و علل آن

ریشه همه مشکلات و بدبختی‌ها، رژیم جمهوری اسلامی است. در ایران رژیمی سر کار است که حق حیات و حق لذت بردن از زندگی را از جوانان گرفته.

اما علل خودکشی می‌تونه خیلی وسیع باشه و همیشه فقط یکی از عوامل را به عنوان علل خودکشی گفت. نابسامانیهای اقتصادی و فقر مهمترین شان هستند. مسایل اجتماعی مثل خانواده، ازدواجهای اجباری، ازدواج کودکان، مردسالاری، مسایل جسمی، افسردگی و اختلالات روحی و روانی، اعتیاد و تن فروشی و اینکه در جامعه اجازه نمیدهند در موردش حرف بزنی و از آن تابو درست کردند و صدها عامل دیگر که همه اینها منجر به خودکشی می‌شوند ولی مهمترین دلیل آن فقر و بیکاری است.

سازمان جهانی بهداشت در سال 2014 آماری را منتشر کرد مبنی بر اینکه 75 درصد خودکشی‌ها مربوط به جوامعی است که درآمد کم یا

خودکشی زد. با دوستان نزدیک و صمیمی همراه باشد که در مورد احساس خودکشی حرف زده شود و نباید پنهانش کنند. باید امید به امکان پایان دادن به بدبختی ها را بالا برد. بجای خودکشی، راه مبارزه را نشان داد و گفت که این تنها راه نجات است. باید سازمان درست کرد، جمع هایی درست کرد و جوانان را جمع کرد و یک تشکل اعتراضی که در این تشکلهای تجربیات را به همدیگر منتقل کنند و به همدیگر کمک کنند و جوانان ببینند که تنها نیستند و وقتی این تشکلهای سازمانها باشند، راه حلش را هم پیدا می کنند و به عنوان مبارزه با این امر به جای خودکشی حمله و اعتراض خود را به ریشه مسایلی که باعث می شود به فکر خودکشی بیافتند را از بین برد.

اما برخورد حکومت اسلامی به معضل خودکشی چگونه است؟ و چرا صحبت کردن در مورد آن تابو است؟

حکومت اسلامی همیشه تلاش می کند بگه که ما الگوی خوبی هستیم و در جامعه ما این اتفاقات نمی افتد و ما بدون عیب و ایراد هستیم. خودکشی از نظر اسلام گناه بزرگی است و حکومت همین را بزرگ می کند، برای اینکه خانواده ها هم آن را پنهان کنند و مطرحش نکنند تا در موردش حرف نزنند. چون اگر در مورد این مشکل در جامعه حرف زده شود، باید به علل و ریشه آن پرداخته شود. در نتیجه انگشت اشاره مردم به طرف حکومت می رود و حکومت این را نمی خواهد. چون فقر، بیکاری، اعتیاد، تن فروشی، افسردگی و همه این عوامل که باعث خودکشی مردم می شوند، علتش عملکرد و وجود حکومت اسلامی است. برای ریشه کن کردن همه این مصایب باید اول جمهوری اسلامی را از سر راهمان برداریم. ■

این نوشته بر مبنای مضمون یک مصاحبه تلویزیونی همبستگی انسانی تنظیم شده است
ژانویه 2019

یک دختر از بالای پل زیرگذر خودش را پایین انداخت و به زندگیش پایان داد. یک جوان اهل بوکان خوددش را از روی پل ساحلی بوکان پایین انداخت و خودکشی کرد. جوان 25 ساله به دلیل فقر و بیکاری اقدام به خودکشی کرد.

برای از بین بردن این معضل جامعه چه باید کرد؟ در حال حاضر چگونه مردم میتوانند جلو خودکشی کسی را بگیرند؟

اولین و اصلی ترین چیزی که میتونه به از بین بردن این معضل کمک کنه، سرنگونی جمهوری اسلامی است! چون ریشه همه این مشکلات حاکمیت سرمایه داری اسلامی است! اما اینکه در حال حاضر مردم چگونه می توانند خودکشی را کاهش دهند. این است که باید در موردش حرف زد. این مسیله شخصی یا فردی نیست، این یک مشکل اجتماعی است که باید با آن مقابله کرد.

متأسفانه در جامعه ایران، طور دیگری به این مسیله برخورد می شود. در جامعه روی این قضیه سرپوش گذاشته می شود و حتی خانواده هایی که عزیزانشان خودکشی می کنند، آن را پنهان می کنند و مطرحش نمی کنند و احساس خجالت میکنند. در مجموع ایرانیها دوست ندارند پیش دکتر روانشناس بروند، چون فکر میکنند اگر دیگران بفهمند یک انگه به آنها زده می شود مثل دیوانه و غیره. علاوه بر این، رفتن به دکتر متخصص و تراپی های مختلف باید با خانواده و یا

تلاشهای بیفایده "حکومت سوخته"

شهلا خباززاده

اسماعیل بخشی و سپیده قلیان دوباره دستگیر و زندانی شدند. این ادامه تعرض جمهوری اسلامی به کارگران هفت تپه است. کارگرانی که در اعتراض به چپاول و غارت طولانی زدند و حکومت سرمایه داران را مستاصل کردند. رژیم نتوانست با تهدید و ارباب کارگران را وادار به پایان اعتصاب کند. ناچار اقدام به دستگیری رهبران و فعالین کارگری کرد و تلاش نمود با آزار و فشارهای جسمی و روانی آنها را ساکت کند.

رژیم تحت فشار کارگران و افکار عمومی ناچار شد تا اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را آزاد کند و آنها از رفتارهای غیرانسانی و شکنجه های وحشیانه ماموران رژیم صحبت کردند. انکار شکنجه توسط مسئولین رژیم نتیجه عکس داشت. موج اعتراض به شکنجه به راه افتاد و شاهدان مختلف روایت خود را از شکنجه ها بیان کردند. کیست که نداند که شکنجه یک ابزار مهم و یک رکن اصلی بقای جمهوری اسلامی است. اما بیش از همه اصلاح طلبان حکومتی (یعنی همان شکنجه گران قبلی) بی آبرو شدند، که با انکار شکنجه شدن زندانیان بار دیگر نشان دادند که در وقاحت دست کمی از همپالکی های اصولگرای خود ندارند.

رژیم برای توجیه خود دست به

تهیه و انتشار یک برنامه تلویزیونی زد و در آن اعترافات میزنند، که میلیونها بازنشسته، اسماعیل بخشی و سپیده معلم، راننده کامیون، کارگر قلیان را پخش کرد. اعترافات فولاد اهواز، کارگر عسلویه، که در آن می گویند که از پرستار و ... که خواستار خواست های کارگران هفت تپه دفاع کرده اند و می گویند که کمونیست هستند. می گویند که با هم درباره ظلم و ستمی که به کارگران میرود، صحبت کرده اند. چه جرایم بزرگی!

پخش فیلم اعترافات اسماعیل بخشی و سپیده قلیان برای رژیم افتضاح بار آورد. اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در نزد مردم محبوب تر از پیش شدند. توجه مردم بیش از همیشه به خواست های کارگران هفت تپه جلب شد؟ این سوال بزرگ در مقابل جمهوری اسلامی قرار داده شد که چرا کارگران هفت تپه دست به اعتصاب زدند؟ که چگونه کارگری که بخاطر حقوق ناچیزی باید با حکومت تا دندان مسلح مبارزه کند، حاضر میشود در مقابل دوربین های تلویزیون علیه خودش اعتراف کند؟ در مدت ۲۴ ساعت پس از انتشار این فیلم سه عبارت اسماعیل بخشی، حزب کمونیست کارگری و کمونیسم بیشترین موارد جستجوی ایرانیان در سایت گوگل بوده است. حالا همه مردم میدانند که حکومت اسلامی چه بلایی بر سر کارگران هفت تپه و سایر کارگران آورده است. دزدی ها و غارتگری های دست اندرکاران رژیم در هفت تپه برای همه روشن شد.

زنده باد اسماعیل بخشی و
سپیده قلیان

زنده باد مبارزات کارگران

زنده باد حکومت انسانی

22 ژانویه 2019



حالا همه مردم می دانند که کارگران هفت تپه که خواستار حقوق های عقب افتاده خود هستند، برای احقاق حق شان،

جوان است که برای کار به دفتر سلمان خدادادی رفته و او به زور به وی تجاوز کرده و سپس وقتی دهان باز کرد و شکایت کرد، او را سر دواندند، و اگر چه در مهر ماه ۱۳۹۷ سه جلسه دادگاه بدلیل پیگیری های زهرا در تهران تشکیل شده و شعبه ۱ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی بابایی به این شکایت مجبور شده رسیدگی کند، در سومین جلسه دادگاه سلمان خدادادی با پنج وکیل آمده و زهرا تنها، سلمان خدادادی در همان جلسه عصبانی شده و میگوید تجاوز کردم دلم خواسته ... قاضی به قید وثیقه خدادادی را آزاد میکند و به زهرا قول میدهند پرونده را پیگیری کنند، اما بعد از چند هفته وقتی خبری از آنها نشده و زهرا همواره مورد تهدید بوده به او میگویند کل ماجرا را فراموش کن و برو دنبال زندگی ات! و زهرا باز کوتاه نمی آید. او در یک نامه نوشته این چه مملکتی است، اگر اسلام اینست من دیگر آنرا قبول ندارم و کشور و شهری که نتواند امنیت و آسایش یک زن را فراهم کند، پس باید نابود شود...

او را کشتند و میخواهند فضا را ساکت کنند و بروند. نباید گذاشت این فاجعه و جنایت را پرده پوشی کنند. از زهرای شجاع دفاع کنید. طومار اعتراضی را امضا کنید!

<https://bit.ly/2TLJbJm>

نماینده مجلس: تجاوز کردم، خوب کردم، دلم خواست!



مینا احدی

سلمان خدادادی از مهره های مهم سپاه در سرکوب دهه شصت در آذربایجان و نماینده مجلس شورای اسلامی از شهر ملکان در دادگاه رسیدگی به جرم تجاوز به زهرا نویدی پور در مهر ماه ۱۳۹۷ گفت: تجاوز کردم، خوب کردم دلم خواست!

رنج نامه زهرا نوید پور: "یکی از نیروهای وزارت اطلاعات بمن گفت: دنبال کار هستی، میتونی با ما رابطه جنسی داشته باشی، این هم یک کار است، یا برو یک تابلو تهیه کن بنویس، تن فروش بچسبان در خانه ات و از این طریق پول در بیاار."

این پاسخ مشتکی لمپن اسلامی به یک دختر

مردسالارانه جاری در جامعه، عملا از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد.

برنامه یک دنیای بهتر

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی زن و بیحقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای

بگذار سخن بگویم! از عمیق ترین دردها برجسم و روحم!

جنبش ME TOO در ایران،
کمپین نه به تجاوز!

مینا احدی

در اروپا و آمریکا و در غرب اگر سخنی از جنبش می تو هست، برای مقابله با تعرض و تجاوز جنسی در محیط کار و خیابان و یا در خانواده است، در ایران اگر از می تو حرف بزنیم در مورد یک موضوع بسیار فراتر از اینها حرف میزنیم. ما در مورد کشوری حرف میزنیم که تجاوز جزو قوانین آن کشور است.

از ازدواج کودکان تا ازدواج اجباری، از قانون نفقه بگیر و تمکین کن، تا نگاه و نگرشی که به زن بعنوان یک وسیله جنسی نگاه میکند و تجاوز و دست درازی و آزار جنسی زنان را حق خود میداند.

ما در مورد میلیونها نفر حرف میزنیم که قربانی تعرض، بی حرمتی جنسیتی و تجاوز شده اند و هیچگاه نتوانسته اند حرفهایشان را به کسی بگویند.

این یک فراخوان به شما زنان در ایران است، به شما که

و سرانجام او را کشتند. بگذار با پیگیری این پرونده و با دامن زدن به یک جنبش حرف زدن و بررسی و کنکاش در مورد تجاوز و با شعار نه به تجاوز، در عین حال به جنبشی پیوندیم که اکنون در ایران بر پا است جنبش علیه شکنجه! تجاوز مصداق بارز شکنجه است و حکومت در ایران، حکومت متجاوزین و مدافعین تجاوز به زنان و کودکان است. بگذار با این کمپین یاد ریحانه جباری ها را گرامی بداریم که علیه تجاوز تسبیح به داستان اسلامی ایستاد و در نهایت حکومت تجاوزگران، او را اعدام کرد.

زنان آزاده ایران بیاید دست به دست هم دهیم و این زخم عمیق را باز کرده و برای مداوای آن فکری بکنیم.

مینا احدی

۲۱ دی ماه ۱۳۹۷ ۱۱ ژانویه ۲۰۱۹



بارها و بارها، وقتی برای یک کار اداری به ادارات دولتی مراجعه کرده اید، وقتی خواسته اید طلاق بگیرید و کار شما دست یک آخوند و یا مقام دولتی بوده، از آنها با وقاحت شنیده اید، در صورتی کارت را راه می اندازم که با من رابطه داشته باشی، این فراخوانی است به دختران جوانی که در دانشگاهها از طرف مسئولین حکومتی و دست اندرکاران مورد تعرض جنسی قرار گرفته اند، این فراخوانی است به زنانی که بر خلاف میل خود با همسر و یا پارتنر خود، همبستر شده اند و تجاوز در چهارچوب خانواده اتفاق افتاده است. این فراخوانی است برای قی کردن، هزاران درد و زخم ناشی از تجاوز در زوایای پنهان آن جامعه. بگذار سخن بگویم. با اعتماد بنفس و با متانت در مورد یکی از مهمترین مشکلات زنان در آن جامعه، این فراخوانی است برای گرامیداشت یاد زهرا نوید پور که شجاعانه علیه تجاوز افشاگری کرد و جانش را در این راه از دست داد. زهرا مورد تجاوز سلمان خدادادی، مسئول امور اجتماعی مجلس اسلامی و نماینده ملکان در مجلس این حکومت قرار گرفت

برنامه یک دنیای بهتر

سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه. لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند.

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق،

اطلاعیه شماره 7 کمپین بگذار سخن بگویم!

نه به تجاوز

Me too - Iran

ابتدا گفتند خودکشی و این
بار میگویند اصلاً زهرا نمرده!

کوچه فرعی، یا بازی زشت
حکومت اسلامی و دامن زدن به
بی تفاوتی در مورد قربانی
تجاوز

آخرین شاهکار حکومت
اسلامی در مورد پرونده زهرا
نوید پور که به قتل رسیده،
اینست که کمیسیون نظارت بر
رفتار نمایندگان حکومت
اسلامی که مرجع رسیدگی به
موضوع شکایت زهرا نوید پور از
سلمان خدادادی در مورد تجاوز
به زهرا و همچنین موضوع قتل
زهرا است، میگوید، اصلاً زهرا
کشته نشده و هر آنچه که در
فضای مجازی پخش شده، در
صحت آن شک دارند.

این یعنی مختومه اعلام کردن
ماجرای طلبکار شدن حکومت و

ایران نمیتواند از زیر بار این
کیفرخواست شانه خالی کرده و
با انتشار اخبار دروغ، مدعیان را
ساکت کند.

زهرا نوید پور در روزهای آخر
زندگیش با دو نفر ارتباط
مستقیم تلفنی مستقیم
داشت که آنها حاضرند در هر
دادگاهی بعنوان شاهد حاضر
باشوند. ما این کمپین را ادامه
خواهیم داد و از سازمان ملل و
نهادهای بین المللی خواهان
اعزام هیئت به ایران برای
بررسی این فاجعه هستیم.

پیگیری این پرونده و همچنین
ادامه دادن به کمپین بگذار
سخن بگویم، نورافکنی است بر
پدیده تجاوز در ایران و بویژه
تجاوز رسمی و قانونی و تجاوز
مقامات ریز و درشت حکومت
اسلامی به زنان آنگاه که برای
انجام یک خواست اداری به آنها
مراجعه کرده اند، که متأسفانه
بسیار گسترده بوده و قربانیان
جرات علنی کردن آنرا نداشته
اند.

کمپین بگذار سخن بگویم!

۵ بهمن ۱۳۹۷ / ۲۵ ژانویه
۲۰۱۹

کمیسیون کذایی اشان.

به مدعیان می تو در دنیا بگویند
که ما در ایران در مورد یک زن
که سالها دوندگی کرده، یک
نماینده مجلس حکومت
اسلامی را تا پای میز محاکمه
کشانده و حتی محکوم کرده،
حرف میزنیم که با صدا و تصویر
قبل از کشته شدنش، در مورد
تهدیدات مقامات حکومتی و
متجاوز به خودش یعنی سلمان
خدادادی حرف زده و سپس به
قتل رسیده است. اکنون که ما
با اعلام یک کمپین خواهان

پیگیری این پرونده هستیم و
افکار عمومی در ایران بسیار
حساس به این جنایت شده،
حکومت اسلامی جا خالی
میدهد و شایعه پراکنی میکند
که این زن اخاذی کرده و یا تن
فروش بوده و در نهایت هم دو
روز پیش گفتند که آن کسی که
مرده زهرا نویدپور اصلی نیست
و آن زهرایی که مدعی بوده و
شکایت کرده، اکنون ازدواج کرده
و دو فرزند دارد.

اینجا عکس مزار زهرا را منتشر
میکنیم و یکبار دیگر اعلام
میکنیم که حکومت اسلامی

برنامه یک دنیای بهتر

اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و
پرورش مختلط در تمام سطوح.

ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو،
خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در
قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات
رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی
و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر
مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع
رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و
عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد
تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان
در نهادها و موسسات اجتماعی.

لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و
پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که
نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او
بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه
است.

لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان،
اعم از مجرد و متاهل، در داخل و خارج کشور، به
میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که
آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل
و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر
نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و

نامه سرگشاده به آلیس شوارتزر در مورد مرگ زهرا نویدپور قربانی افشاگری تجاوز و می تو در ایران!

مینا احدی

آلیس گرامی!

همه میدانند که تو یک زن سرشناس فمینیست و سردبیر مجله اما Emma، بویژه در مورد جنبش MeToo بسیار نوشتی و از آن دفاع کردی و اخیرا هم جایزه روزنامه نگاران را تو به رونان فاروو Ronan Farrow تقدیم کردی که شجاعانه و حتی با بازی کردن با زندگی در مورد واین اشتاین و تعرضات او به زنان افشاگری کرد. امروز میخواهم با تو در مورد یک زن ۲۸ ساله ایرانی صحبت کنم که از چهار سال قبل علنی اعلام کرد که یکی از نمایندگان مجلس حکومت اسلامی و یکی از مقامات بالای این حکومت به اسم سلمان خدادادی به او تجاوز کرده است. زهرا لیسانس حقوق داشت و از یک خانواده متعصب در شهر ملکان بود. او وقتی در صدد پیدا کردن کار بود، بدلیل آشنایی خدادادی با پدرش، به دفتر خدادادی دعوت شد و در همان ملاقات او ل، سلمان خدادادی در اطاق را بست و به او تجاوز کرد و سپس گفت اگر اینرا برملا کنی، هم خودت و هم خانواده ات را میکشم. زهرا اما شجاعانه هم در مقابل دولت

حتی دوبار صلاحیت او برای شرکت در انتخابات رد شده بود که با دخالت شورای نگهبان منتفی شد.

متاسفانه روز یکشنبه ۶ ژانویه جسد زهرا در منزل مادرش پیدا شد. او سه روز قبل با ما تماس گرفته و در مورد ترس و وحشت خود از امکان به قتل رسیدن حرف زده بود. روز گذشته خانواده زهرا او را بخاک سپردند در حالیکه نوشته بودند دوشیزه زهرا نوید پور که در همین فراخوان هم، نشانه اعمال نفوذ و فشار حکومتی ها و متجاوز عیان است.

زهرا از ما خواسته که اگر او را کشتند، صدای او را به دنیا برسانیم و خبرنگاری که با او تماس داشته، از من خواسته حتما این خبر را بگوش جهانیان برسانم که مجلس و شورای نگهبان و مطهری معاون مجلس حکومت اسلامی، و پروانه سلحشوری، به اصطلاح نماینده تهران در مجلس و معاونت زنان و خانواده روحانی و همه و همه از متجاوز دفاع کردند و به زهرا گفتند کاری از دست آنها ساخته نیست.

حال ما از شما میخواهیم اولاً در پخش این خبر و در صورت لزوم در پخش اسنادی که ما داریم بما کمک کنید و ثانياً اگر بتوانید کمک کنید هیئتی از آلمان برای رسیدگی به این فاجعه به ایران بروند، شاهدان ما که در محل هم هستند، میتوانند به هیئت مزبور کمک کنند.

با احترام مینا احدی

۹ ژانویه ۲۰۱۹

و مجلس و حکومت اسلامی ایستاد و هم در مقابل خانواده متعصب خود که علنی کردن تجاوز را بی آبرویی برای خانواده دانسته و از زهرا هیچگاه دفاع نکردند. آلیس گرامی!

زهرا با من غیر مستقیم تماس داشت و اکنون همه اسناد و مدارک از طریق یک خبرنگار زن ایرانی که مستقیم با زهرا در ارتباط بود به دست من رسیده است. همه مکالمات و همه تهدیدهایی که این نماینده مجلس کرده و همچنین این نماینده به تجاوز و همچنین متن شکایات زهرا از همه ارگانهای ذیربط حکومت اسلامی و حتی نوشته های او با بالاترین مقامات حکومتی که پاسخ منفی به درخواست او مبنی بر پیگیری این ماجرا میدهند.

خدادادی کیست؟ سلمان خدادادی نماینده مجلس که قبلاً مدیرکل سابق اداره اطلاعات اردبیل و فرمانده سابق سپاه ملکان بوده و اکنون نماینده ملکان در مجلس است.

او که اکنون رئیس کمیسیون اجتماعی در مجلس است در سالهای گذشته از بابت تجاوز به منشی خود و یکی از مراجعه کنندگانش متهم شده بود و مدتی را نیز در بازداشت به سر برده بود.

او اکنون ریاست کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی را نیز بر عهده دارد دارای سوابقی از جمله تجاوز و آزار جنسی است، این نماینده پیش تر مدتی را از این بابت در بازداشت به سر برده بود و

اخباری از اعتراضات و اتفاقات کارگری در شهرهای آذربایجان در دیماه ۱۳۹۷

شهلا خباززاده

۲ دی

دست کم ۶۰ کارگر واگن سازی ایریکو ابهر اخراج شده اند

در کارخانه «ایریکو» واقع در شهرستان ابهر بیش از ۳۰۰ کارگر مشغول به کار بودند اما از ابتدای سال جاری به دلیل آنچه «مشکلات مالی» عنوان شده است، دست کم ۶۰ نفر از کارگران قراردادی با اتمام قرارداد، اخراج شده‌اند. بنا بر اظهارات این کارگران در واگن‌سازی ایریکو، کارفرما با تمامی کارگران قرارداد سه ماهه منعقد کرده است تا اخراج کارگران با سهولت انجام شود.

آنها اظهار داشتند: کارفرما در مرحله نخست (۴ فروردین) ۳۵ نفر از کارگران را اخراج کرد و در مرحله دوم که ۲۷ آذر ماه انجام شد، ۶ نفر از کارکنان اداری ساختمان مرکزی با دستور مدیریت کارخانه اخراج شدند و روز گذشته ۲۳ نفر دیگر از همکارانمان از کار بیکار شدند.

کارگران درخصوص وضعیت اشتغال خود بعد از ایام بیکاری گفتند: همکارانی که پیش از ما اخراج شده‌اند در جستجوی کار به واحدهای صنعتی و خدماتی زیادی مراجعه کرده‌اند اما به دلیل شرایط سنی که دارند تا این لحظه هیچ کاری برای آنها پیدا نشده است.

به گفته آنان، تمامی کارگران

ماه گذشته که این کارخانه تحت مسئولیت هیات حمایت از صنایع قرار گرفته، اتفاق خاصی در روند آغاز فعالیت تولیدی کارخانه مشاهده نشده و مشکلات مالی کارخانه همچنان به قوت خود باقی است.

به گفته آنان؛ پیش از این بلبرینگ‌سازی به مدت یک دهه به بخش خصوصی واگذار شده بود که در این مدت مطالبات مزدی کارگران تا ۸ ماه به تاخیر افتاد.

به گفته کارگران کارخانه بلبرینگ‌سازی تبریز، این واحد یکی از موفق‌ترین واحدهای صنعتی استان آذربایجان شرقی محسوب می‌شود که تا پیش از سال ۹۱ محصولات آن به صورت پیش‌فروشی عرضه می‌شد اما در حال حاضر دچار رکود در تولید شده است.

تجمع فرهنگیان شاغل و بازنشستگان تبریز

جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته تبریزی دست به تجمع اعتراضی زدند. معترضان خواستار بهبود معیشت خود هستند. آنها می‌گویند: هم به ۲۰ درصد افزایش حقوق معلمان شاغل معترضیم و هم به عدم اجرای همسان‌سازی

قراردادی ایریکو به دلیل ماهیت قرارداد کاریشان هر ماه پس از خاتمه قرارداد کار خود نگران بیکاری هستند.

این کارگران اظهار داشتند: کارگرانی که اخیراً بیکار شده‌اند علاوه بر تعویق حقوق دو ماه گذشته، در زمینه دریافت حق سنوات نیز با مشکلاتی مواجه هستند. از قرار معلوم، حق سنوات همه کارگران بیکار شده با پایه حقوق سال ۹۵ محاسبه شده است.

تجمع کارگران بلبرینگ سازی تبریز برای معوقات مزدی

شماری از کارگران کارخانه «بلبرینگ‌سازی تبریز» در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود دست از کار کشیده و تجمع کردند. کارگران علت برپایی این اعتراض صنفی خود را چهار ماه معوقات مزدی اعلام کرده‌اند.

این کارگران می‌گویند: با وجود آنکه این واحد صنعتی از آبان ماه سال گذشته از بخش خصوصی به هیات حمایت از صنایع واگذار شده، ما هنوز بابت ۴ ماه مزد معوقه طلبکاریم.

معترضان می‌گویند: در طول ۱۴



برای بازنشستگان؛ به نظر می‌رسد قرار نیست در سال آینده معیشت ما بهبود پیدا کند. معترضان خواستار پاسخگویی مسئولان و افزایش بودجه‌های آموزشی شدند.

۲ دی

کارگران بلبرینگ سازی تبریز برای دومین روز تجمع کردند

تجمع اعتراضی کارگران بلبرینگ‌سازی تبریز که از روز گذشته در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود آغاز شده بود، امروز نیز ادامه داشت. کارگران مقابل در ورودی کارخانه تجمع کردند...

به گفته کارگران، آنان تا پرداخت نشدن حداقل بخشی از مطالبات چهار ماهه‌شان، به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

کارگران تصریح کردند: با وجود آنکه مدیریت کارخانه بلبرینگ‌سازی از حدود ۱۴ ماه پیش به دلیل افزایش مشکلات کارخانه از بخش خصوصی به هیات حمایت از صنایع سپرده شده است، اما همچنان در روند آغاز فعالیت تولیدی کارخانه اتفاق خاصی مشاهده نشده و مشکلات صنفی کارگران همچنان به قوت خود باقی است.

۲ دی

تجمع کارگران کشت و صنعت مغان

جمعی از کارگران مجتمع کشت و صنعت مغان نسبت به خصوصی‌سازی مجتمع مقابل ساختمان اداره مرکزی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

از قرار معلوم، پس از یک بار لغو اهلیت خریدار، اواخر آذر واگذاری مجدد مجتمع به صاحب کارخانه شیرین عسل تبریز انجام شد، این درحالی‌ست که روز گذشته (۲ دی ماه) نیز اهالی مغان و کارگران این کارخانه در شهرک مغان که مهانسرای ویژه مدیران شرکت و محل زندگی بخشی از پرسنل شرکت است، تجمع کرده‌اند.

در تجمع کارگران مجتمع کشت و صنعت مغان، فرماندار شهرستان پارس‌آباد حضور یافت و قول پیگیری به کارگران داد.

مجتمع کشت و صنعت مغان بیش از ۲ هزار نفر پرسنل دارد؛ این درحالی‌ست که ۱۰ سال گذشته بیش از ۵ هزار نفر به صورت مستقیم در این واحد تولیدی کار می‌کردند.

۵ دی

دومین روز از تجمع کارگران کشت و صنعت مغان

اعتراض جمعی از کارگران مجتمع کشت و صنعت و دامپروری مغان که از روز گذشته (۴ دی ماه) در واکنش به واگذاری این واحد تولیدی به بخش خصوصی در مقابل ساختمان اداره مرکزی مجتمع آغاز شده بود، در این روز همچنان ادامه یافت.

جمعی از کارگران مجتمع کشت و صنعت مغان در اعتراض به خصوصی‌سازی و حضور کارفرمای جدید در این مجتمع کشت و صنعت واقع در شهرستان پارس‌آباد مغان تجمع کردند. این درحالی‌ست که دو روز پیش (۳ دی ماه)

خانواده و اهالی مغان نیز در محل مهانسرای شهرک آیت‌الله غفاری که محل اسکان مدیران و برخی پرسنل این واحد تولیدی است، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

معترضان می‌گویند: مجتمع کشت و صنعت مغان منبع درآمد غالب ساکنان پارس‌آباد بوده و زندگی عشایر به این واحد تولیدی وابسته است. آنان شکست‌های متعدد در خصوصی‌سازی واحدهای تولیدی سراسر کشور از جمله هفت‌تپه را علت عمده نگرانی خود از واگذاری مجتمع به بخش خصوصی می‌دانند.

دو روز است که با واگذاری مجتمع کشت و صنعت مغان به فردی که اکنون صاحب شرکت شیرین عسل تبریز است، کارگران این واحد کشاورزی بزرگ به تجمع دست زده‌اند که حدود ۲ هزار پرسنل دارد.

۹ دی

سرویس دانش آموزان روستایی بخش صومای برادوست ارومیه از پل روستای فیروزیان و مجروح شدن دانش‌آموزان و انتقال آنان به بیمارستان امام خمینی ارومیه خبر دادند. حال سه دانش‌آموز نامساعد گزارش شده است.

۱۷ دی

درخواست کارگران آذریت تبریز برای بازگشایی کارخانه

منابع کارگری در کارخانه «آذریت تبریز» گفتند: تقریباً از شهریور ماه سال ۹۵ کارخانه آذریت تبریز با حدود ۸۰ کارگر تعطیل شده و همه کارگران

می‌رسید اما کارفرما قبل از آنکه کارخانه را تعطیل اعلام کند، حدود ۸۰ کارگر داشت که با پرداخت مطالباتشان آنها را از کار بیکار کرد. آنها اظهار داشتند: تاکنون چندین بار به امید بازگشایی کارخانه به نهادهای صنفی و دولتی استان و حتی پایتخت مراجعه کرده‌ایم اما در مورد بازگشایی کارخانه هنوز پاسخی نگرفته‌ایم.

۲۲ دی

مرگ یک راننده بیل مکانیکی در معدن سنگ ایجرود زنجان

ریزش دیواره معدن سنگ در ایجرود زنجان به مرگ یک راننده بیل مکانیکی انجامید.

۲۲ دی

مرگ دو کارگر مهابادی در مرغداری تبریز
دو کارگر مهابادی شاغل در یک مرغداری در تبریز بر اثر گازگرفتگی جان باختند. ■

برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره کار معرفی شدند.

کارگران بیکار شده این کارخانه تولیدکننده انواع لوله، ورق و سایر فرآورده‌های سیمان آزبست که بر بازگشایی و راه‌اندازی مجدد محل کار خود تاکید دارند، می‌گویند: چندین ماه است مقرری بیمه بیکاری کارگران بیکار شده به اتمام رسیده و باتوجه به شرایط جسمی و سنی هم‌اکنون در بازار نامتعادل کار برای آنها هیچ شانسی برای یافتن فرصت شغلی جدید وجود ندارد اما اگر دولت از بازگشایی این کارخانه حمایت کند، آنها می‌توانند به کار قبلی خود بازگردند.

کارگران با بیان اینکه این واحد صنعتی با فشار برخی مسئولان به بهانه استفاده از ماده آزبست تعطیل اعلام شد آنهم درحالی‌که امکان استفاده از مواد دیگر برای جایگزینی ماده آزبست وجود داشت، در ادامه افزودند: زمانی تعداد کارگران آذریت تبریز به حدود ۲۰۰ نفر

دولت مسئول تامین و تضمین امنیت و سلامت دانش آموزان است

سقوط سرویس دانش آموزان روستایی صومای برادوست ارومیه نشانه دیگری است از لاقیدی و لاابالی گری مسئولین دولتی در قبال جان شهروندان کشور است. بنا به اخبار، در اثر سقوط سرویس حامل دانش آموزان از پل روستای فیروزیان در روز یکشنبه ۹ دیماه، دانش آموزان داخل این سرویس متحمل صدمات شده و روانه بیمارستان شده‌اند. این خبر از حادثه ناگوار دیگری است که بعد از حادثه اتوبوس حامل دانشجویان دانشگاه آزاد تهران به گوش می‌رسد. هردوی این حوادث و حوادث زیاد دیگری از این نوع حکایت از این دارند که آنچه که برای مقامات دولتی مهم است نه جان و سلامت شهروندان بلکه پر کردن جیب های کشادشان از ثمره کار و تلاش مردم

ما ضمن اعلام همدردی با خانواده های دانش آموزانی که در حادثه جاده صومای برادوست صدمه دیده‌اند، اعلام می‌کنیم که این دولت صلاحیت اداره جامعه را ندارد و باید شر خود را



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

از سر مردم ایران گم کند.

ما همچنین از خانواده های دانش آموزان صدمه دیده در این حادثه و همه مردم روستاهای صومای برادوست و همچنین همه مردم شهر و روستاهای اطراف ارومیه می‌خواهیم که در جلو استانداری و ادارات مربوطه تجمع کنند و به استاندارهای پایین جاده ها و وسایل نقلیه عمومی اعتراض کنند و خواهان تشکیل يك هیات بازرسی متشکل از نمایندگان دولت و نمایندگان مردم، جهت بازرسی جاده ها و وسایل نقلیه و در وهله اول سرویس دانش آموزان باشند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

نهم دیماه ۱۳۹۷ — ۳۰ دسامبر ۲۰۱۸



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن بازداشت امیر چمنی، از همکاران و خانواده و سایر کارگران و مردم در تبریز میخواهد از هر راه ممکن به بازداشت این فعال کارگری اعتراض کنند. خانواده امیر چمنی و همکارانش میتوانند در مقابل زندان تجمعات اعتراضی سازمان دهند و به بازداشت او اعتراض کنند.

باید به هر شکل ممکن برای آزادی فعالین کارگری متشکل شد. میتوانیم شورای اعتراض به زندانی کردن فعالین کارگری را تشکیل بدهیم و اعتراضات مان با رهبری و هدایت چنین شورایی پیش ببریم. نباید در مقابل زندانی نمودن فعالین کارگری و سایر فعالین اجتماعی ساکت نشست و نظاره گر شد.

کارگر زندانی آزاد باید گردد! زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

پیش بسوی تشکیل شوراهای سازماندهی اعتراضات!

پیش بسوی اعتراضات و اعتصابات سرتاسری!
کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
27 آذرماه 1397 برابر با 17 دسامبر 2018

امیر چمنی، فعال کارگری بازداشت شد!

**همه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی
باید آزاد شوند!**

بنا به اخبار درج شده در رسانه ها، امیر چمنی فعال کارگری ساکن تبریز در محل کار خود بازداشت و به زندان تبریز منتقل شد. نامبرده در شهریور ماه امسال توسط دادگاه (ضد) انقلاب محاکمه و به اتهام تبلیغ علیه نظام به شش ماه زندان محکوم شده بود.

رژیم جمهوری اسلامی در طول یکسال گذشته بیش از پیش تحت فشار اعتراضات و اعتصابات کارگری و اجتماعی مانند اعتراضات معلمین و رانندگان و دانشجویان و بازنشستگان و مالباختگان هر چه بیشتر به سرنگونی نزدیک میشود. بویژه اعتصابات نظیر هفت تپه و فولاد اهواز نشان داد که این سیر حرکت اعتراضی مردم میروند که گلوی این رژیم را بیشتر و بیشتر بفشارد. رژیم تنها راه چاره را در دستگیری فعالین کارگری میبیند. این راه نیز سرنوشت محتوم رژیم را تغییر نخواهد داد.



برنامه یک دنیای بهتر

زن، به تشخیص خودشان، از دو روز مرخصی برای دوره عادت ماهانه.

ممنوعیت اضافه کاری. دستمزد عادی کارگران باید در حدی باشد که هیچ کارگری از سر نیاز اقتصادی ناگزیر به تن دادن به اضافه کاری نشود. ممنوعیت هرگونه کار-مزدی، نظیر قطعه کاری و کار کنتراتی.

مزد برابر برای زنان و مردن در ازاء کار مشابه.

تعطیلی دو روز متوالی در هفته. انتقال روزهای تعطیل در هفته به شنبه و یکشنبه برای هماهنگی با اکثر کشورهای جهان و بویژه کشورهای پیشرفته صنعتی. حداقل ۳۰ روز مرخصی سالانه. مرخصی کوتاه اضطراری بدون کسر حقوق، علاوه بر مرخصی سالانه، برای رسیدگی به مشکلات پیش بینی نشده شخصی و خانوادگی. امکان استفاده کارگران



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party Of Iran

تجربه گران‌بهای برای همه کارگران و مردم ایران به ارمغان گذاشتند. کارگران کشت و صنعت مغان می‌توانند و باید این تجربه را راهنمای اعتراضات خود قرار دهند.

کارگران کشت و صنعت مغان!

شما می‌توانید با تشکیل شوراهای و دعوت کارگران و مردم منطقه به اعتراضات متحدانه، حکومت را وادار به عقب نشینی کنید! در واحدهای کشت و صنعت و در شهرها و روستاها، شوراهای مستقل خودتان را تشکیل دهید و اعتراضاتتان را آگاهانه و نقشه مند و قدرتمند پیش ببرید.

پیش بسوی تشکیل شوراهای سازماندهی اعتراضات!

پیش بسوی اعتصابات سرتاسری!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۴ دی ۱۳۹۷ برابر با ۲۵ دسامبر ۲۰۱۸

هدف رژیم سرمایه داران و آیت الله های میلیاردر غارتگر و جنایتکار از خصوصی سازی (و یا بقول کارگران نیشکر هفت تپه "خصولتی سازی") تحمیل فقر و فلاکت و بدبختی هر چه بیشتر بر کارگران کشت و صنعت و مردم محروم منطقه است!

خود مقامات حکومت اسلامی از همین الان نگران آینده اقداماتشان هستند. سخنرانی نماینده منطقه یک نمونه از ترس رژیم از اعتراضات کارگران است. او به صراحت از تبعات این تصمیم در مجلس به دولت هشدار می‌دهد!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن حمایت از اعتراضات شما کارگران کشت و صنعت مغان، از سایر کارگران و مردم منطقه و پارس آباد و شهرها و روستاها می‌خواهد برای هدایت و پیشبرد بهتر اعتراضات، شوراهای خودشان را تشکیل دهند. اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه از نوع اعتراضات شماست. آنها با تشکیل مجمع عمومی در واحدهایشان و انتخاب مجمع نمایندگان، اعتصابات و قدرتمندی را پیش بردند و

اعتراضات کارگران کشت و صنعت مغان و مردم شروع شد!

در پی واگذاری کشت و صنعت مغان به یک میلیاردر به نام یونس ژائله تحت عنوان خصوصی سازی، اعتراضات کارگران این مجتمع و مردم در شهر پارس آباد مغان و شهرها و روستاهای منطقه به این تصمیم دولت بالاگرفته است. کارگران شرکت کشت و صنعت مغان و سایر مردم محروم منطقه دست به تجمع اعتراضی در مقابل دفتر شرکت زدند. همه اهالی منطقه از این تصمیم بشدت عصبانی و معترض هستند.

زمینهای کشت و صنعت مغان که امروز تحت نام خصوصی سازی به اعوان و انصار خود این حکومت واگذار میشود، زمینهای مردم این منطقه است که در نظام سلطنتی بزور سرنیزه ژاندارمها از دستشان گرفته شده است و امروز در اختیار سرمایه داران حکومت اسلامی است.

کارگران شرکت کشت و صنعت مغان، مردم محروم منطقه!

بر هیچکس پوشیده نیست که

اطلاعیه شماره 2 کمیته آذربایجان

تعرض به معیشت کارگران کشت و صنعت مغان به نام خصوصی سازی!

کارگران باید در مقابل هر گونه تعرض به معیشتشان اعتراض کنند!

هفته گذشته اعلام شد کشت و صنعت مغان توسط سازمان



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party Of Iran

دسترنج 15000 کارگر ثروت نجومی بهم زده است. ایشان قبلا پرونده یورش به اعتصاب

خصوصی سازی به سرمایه داری به نام یونس ژائله وگذار خواهد شد و مقامات حکومت در محل مثل استاندار و دادستان و امام جمعه هم که ریششان چرب شده است از معامله راضی هستند!

یونس ژائله، صاحب کارخانه "شیرین عسل"، سرمایه داری است که همین الان از قبل

کارگران "شیرین عسل" با توسل به نیروهای ضدشورش را زیر بغل دارد.

کشت و صنعت مغان 15000 کارگر داشت. در همین دوره مالکیت و مدیریت دولت بر این مجتمع صنعتی و در سایه سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی، نزدیک 10000 از این کارگران بیکار شده‌اند و در شرایط بسیار اسفناکی زندگی میکنند.

با انتقال مالکیت و مدیریت کشت و صنعت مغان به یونس ژائله، یکی از آقازاده‌های حکومت اسلامی، تعرض بیشتری به معیشت و حقوق کارگران کشت و صنعت مغان تدارک دیده میشود. همانطور که در سایر واگذاریها تحت نام خصوصی سازیها مثل کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز تجربه شده است.

کارگران کشت و صنعت مغان خیلی سریع در مقابل این اتفاق واکنش نشان دادند. دو روز متوالی در مقابل محل حضور کارفرمای جدید و دفتر مرکزی کشت و صنعت تجمع کردند به دولت و کارفرمای جدید اعتراض کردند. فرماندار مجبور شد در میان کارگران ظاهر شود و وعده و وعید بدهد که به خواست کارگران رسیدگی خواهد کرد.

کارگران معترض در ایران در جریان خصوصی سازیها اعتراضات زیادی کرده‌اند و هر بار فوراً مقامات استانداری و امنیتی و امام جمعه‌ها و خود کارفرماها از ترس گسترش اعتراضها به کارگران وعده داده‌اند. وعدههایی که همیشه توخالی بوده است و فقط و فقط برای به خانه فرستادن

کارگران بوده است.

کارگران کشت و صنعت مغان میتوانند و باید از این تجربه‌ها بیاموزند. به وعده‌های توخالی مقامات حکومتی نباید اعتماد کنند که حامیان کارفرما هستند و نه کارگرها.

کارگران در مقابل تعرض به زندگیشان فقط و فقط یک راه دارند. اعتصاب و اعتراض. هر چه اعتصاب و اعتراضشان قویتر باشد همانقدر قادر خواهند شد دولت و کارفرما را مجبور کنند در مقابل خواست کارگران تسلیم شوند.

کارگران معترض کشت و صنعت مغان، تجربه کارگران دیگر از جمله نیشکر هفت تپه را دارند که برای پیرویشان در اعتراض بحقشان میتوانند از آن بیاموزند.

مهمترین ابتکاراتی که کارگران کشت و صنعت هفت تپه بکار بردند و میتوانند راهنمای کارگران کشت و صنعت مغان باشند:

در محل کشت و صنعت جمع شوید و نمایندگان مورد اعتماد خود را انتخاب کنید. نمایندگانی که اعتراضات را سازمان بدهند.

جمع شوید و خواسته‌هایتان را خیلی روشن تنظیم کنید. خواستههایی که دستمزد مکفی، قراردادهای ثابت، امنیت شغلی فقط چند نمونه از آنهاست.

از خانواده‌هایتان در اعتراض بحقتان کمک بگیرید. هر تغییری در کشت و صنعت مغان فوراً زندگی خانواده‌هایتان را تحت تاثیر قرار میدهد. مثل اعتراض کارگران کشت و صنعت هفت تپه، خانواده‌هایتان میتوانند در اعتراضات

شرکت کنند و اعتراضات را قدرتمندتر کنند.

از مردم شهر پارس آباد بخواهید از شما حمایت کنند. زندگی مردم پارس آباد و منطقه مغان از اتفاقات کشت و صنعت مغان متاثر بوده است و خواهد بود. حمایت مردم از شما اعتراضات را آنچنان قدرتمند خواهد کرد که مقامات حکومتی مجبور خواهند شد تسلیم شوند.

از هر لحظه اعتراضات عکس و ویدئو کلیپ تهیه کنید تا بقیه کارگران در منطقه و ایران و دنیا از اعتراضات با خبر شوند. کارگران هفت تپه توانستند با این کار همبستگی سایر کارگران، معلمان و دانشجویان و کسبه در شهر شوش و مردم در سایر نقاط ایران و اتحادیه‌های کارگری در جهان را جلب کنند.

هر قدر اعتراض بحق شما در مقابل چشمان کارگران و مردم معترض ایران و جهان پیش برود، همانقدر دست حکومت اسلامی در مقابله با شما بسته‌تر خواهد بود.

کارگران کشت و صنعت مغان، تجربیات هم طبقه‌ای‌هایتان در سایر نقاط ایران را بکار بگیرید و در مقابل تعرض به حقوق و معیشتتان بایستید.

رمز پیروزی شما اعتصاب و اعتراض وسیعتر و همبستگی کارگران و مردم شریف منطقه، ایران و جهان است!

زنده باد اعتراض بحق کارگران کشت و صنعت مغان!

کمیته آذربایجان حزب

کمونیست کارگری ایران

8 دی 1397 - 29 دسامبر

2018



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

کردند!

روشن است که همه این تلاشها و تقلاهایشان برای این بود که جلوی گسترش اعتصاب و اعتراض را بگیرند.

کارگران کشت و صنعت مغان، مردم پارس آباد و منطقه!

تجربه چند دهه گذشته به خوبی نشان میدهد که حکومت اسلامی به نام خصوصی سازی کارخانه ها، محصول کار و زحمت کارگران را به آفازاده هایش منتقل میکند؛ کارفرماهای جدید به نام شرکت میلیونها دلار وام میگیرند و بالا میکشند؛ تعداد زیادی از کارگران را اخراج میکنند؛ و بالاخره زمین و ماشین آلات و امکانات شرکتها را به حراج میگذارند و از این طریق پول پارو میکنند. در کشت و صنعت مغان هم دقیقا همین اتفاق دارد میافتد.

کارگران کشت و صنعت مغان هشیار باشید!

به وعده های دروغ مقامات حکومت اعتماد نکنید. آنها میخواهند شما به جای اعتصاب در کارخانه و اعتراض در شهر، در خانه هایتان بمانید تا با خیال راحت محصول یک عمر رنج و زحمت شما و پدران و مادراتان تاراج کنند و از این طریق ثروتهای نجومی بالا بشکنند.

شما تجربه مبارزات باشکوه و قدرتمند کارگران هفت تپه و فولاد اهواز را دارید که چطور همزمان با اعتصاب به خیابان های شهر آمدند، مردم را مطلع کردند، خانواده هایشان را در اعتراض بحقشان دخیل کردند، و بالاخره همبستگی مردم شهر و همبستگی مردم در سطح کشور و حتی جهان را به مبارزه خود جلب کردند.

تجربه خصوصی سازیهای دیگر مثل کشت و صنعت هفت تپه و فولاد اهواز نشان داده است که اگر از همان اول کارگران مقاومت کنند، اعتصاب کنند، اعتراض کنند، از خانواده های

اطلاعیه شماره 3 کمیته آذربایجان

دسیسه های دولت و کارفرما در کشت و صنعت مغان را خنثی کنیم!

اعتصاب و اعتراض تنها راه عقب راندن کارفرما و دولت است!

در اطلاعیه قبلی گفتیم که با تحویل کشت و صنعت مغان به یکی از آفازاده های حکومت اسلامی به نام یونس ژائله تحت نام خصوصی سازی، تعرض بیشتری به معیشت و حقوق کارگران کشت و صنعت مغان تدارک دیده میشود. همانطور که در سایر واگذاریها تحت نام خصوصی سازیها مثل کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز تجربه شده است.

بعد از واگذاری کشت و صنعت مغان، کارگران و مردم پارس آباد که به حق نگران بیکار شدن بیشتر و بدتر شدن وضعیتشان هستند، چندین بار دست به تجمع اعتراضی زدند.

با اعتراض کارگران و مردم شهر، فورا مقامات حکومتی از استاندار و فرماندار گرفته تا نمایندگان قدیم و جدید مجلس اسلامی و دادستان و امام جمعه و نوچه های کارفرمای جدید دست در دست هم دادند، به انواع توطئه ها و دسیسه ها متوسل شدند تا کارگران را ساکت کنند، به خانه هایشان بفرستند و با خیال راحت برنامه هایشان برای به فلاکت بیشتر کشیدن کارگران را دنبال کنند.

فرماندار در محل اعتراض حاضر شد و وعده های توخالی داد! همان کاری که در همه اعتصابات کارگری انجام میدهند تا کارگران معترض را به خانه بفرستند!

بخشی از دار و دسته های حکومتی مثل نماینده پارس آباد تظاهر به مخالفت خوانی کردند که مثلا میخواهند در کمیسیون اصل نود مجلس موضوع را دنبال کنند!

دار و دسته کارفرمای جدید تبلیغات راه انداختند که این کارفرما میخواهد کشت و صنعت را رونق دهد!

امام جمعه و دار و دسته اش سعی کردند تاراج کشت و صنعت مغان و تعرض به زندگی کارگران را به نارضایتی "عشایر غیور" تقلیل دهند!

نیروهای امنیتی طرفدار سرمایه دار مثل همیشه کارگران و فعالین کارگری را تهدید

اطلاعیه شماره 3 کمیته آذربایجان

متوقف شود. اعلام کنید که چه خصوصی و چه دولتی، خود شما کارگران میتوانید و باید اداره کارخانه را به عهده بگیرید. فقط و فقط مبارزه متحد شما کارگران کشت و صنعت مغان، همبستگی مردم منطقه، همبستگی کارگران و مردم شریف در ایران و کشورهای دیگر میتواند دست کارفرما و حکومت اسلامی را از زندگی شما کوتاه کند.

اعتصاب و اعتراض تنها راه عقب راندن کارفرما و دولت حامیش است!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
23 دی 1397 - 13 ژانویه 2019



خودشان و از مردم شهر حمایت بگیرند، همبستگی کارگران و مردم در ایران و جهان را جلب کنند، و هر چقدر این اعتراضات را با تعداد بیشتری پیش ببرند همانقدر بیشتر میتوانند خواسته هایشان را به دولت تحمیل کنند.

فعالین کارگری کشت و صنعت مغان!

شما میتوانید نقش بسیار مهمی در دامن زدن به یک اعتراض قدرتمند علیه این تعرض به معیشت کارگران ایفا کنید. قبل از اینکه دیر شود، در مقابل دسیسه های کارفرمای جدید و مقامات دولتی حامیش بایستید و آنها را خنثی کنید.

هر چه وسیعتر توطئه ها و دسیسه های کارفرما و حامیان حکومتیش را در میان کارگران و مردم افشا کنید. از طریق رسانه های اجتماعی مثل تلگرام و از طریق ویدیو کلیپها منظم این توطئه ها را با کارگران و مردم پارس آباد و منطقه و کارگران و مردم در سطح ایران و جهان در میان بگذارید.

خواسته هایتان را روشن کنید و در اعتصابات و اعتراضات علنا اعلام کنید. اعلام کنید که خصوصی سازی کشت و صنعت مغان باید

**کانال جدید صدای جنبش های
اعتراضی عدالت خواهانه در ایران
است**

**کانال جدید صدای انسانیت، آزادی
خواهی و برابری طلبی است**

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

ایمیل ها و تلفن تماس با کمیته آذربایجان:

فیس بوک: www.facebook.com/sahandazadiwpi
دبیر کمیته: ebrahimi1917@gmail.com
ایمیل سردبیر: farazazadi54@gmail.com
همکار فنی، اسماعیل اوجی: e.owji49@gmail.com
تماس تلفنی با نشریه و کمیته:
شهلا خباز زاده: 00491785598886
آدرس تلگرام سهند: <https://t.me/KSahand>

سرنگون باد جمهوری اسلامی - زنده باد سوسیالیسم